مهوش عالمی[1]

باغهای دورهٔ صفویه: گونه‌ها و الگوها[2]

ترجمهٔ محسن جاوری[3]

بیشتر تحقیقها دربارهٔ شناخت گونه‌ها و الگوهای باغهای ایرانی بر مستندات دقیق استوار نبوده است. یکی از منابع مهم تاریخ شهر اصفهان، از جمله باغهای آن، نقشه‌های گوناگونی است که در *سفرنامهٔ* انگلبرت کمپفر، پزشك و منشی سفیر سوئد در دربار شاه سلیمان صفوی، چاپ شده است. محققان معمولاً از این مهم غفلت کرده‌اند که این نقشه‌ها و طرحها را طراحان و گراورسازان اروپایی آن زمان بر مبنای نقشه‌ها و طرحهای سردستی کمپفر کشیده‌اند و از دخالت سلیقهٔ آنان خالی نیست. نسخهٔ اصلی دست‌نوشته‌ها و طرحهای کمپفر که در کتابخانهٔ بریتانیا نگهداری می‌شود، نه فقط اطلاعاتی در بر دارد که در کتاب مزبور درج نشده، بلکه حاوی اصل طرحهاست که بسیاری از آنها دربارهٔ باغهای شاهی اصفهان و سایر شهرهای ایران است. این نقشه‌ها اولین نقشه‌های برداشت‌شده از باغهای صفوی به حساب می‌آید. مطالعهٔ نقشه‌های کمپفر همچنین می‌تواند به تبیین مسائلی بپردازد از قبیل: طرز پراکندگی باغهای شاهی در دولت‌خانه و چگونگی ارتباط آنها با شهر؛ طرز تأثر این گونه باغ از ریخت‌شناسی و توپوگرافی شهر؛ مشخصه‌های گونه‌های معروف به چهارباغ و خیابان چهارباغ؛ گونه‌های بناهای وابسته به باغ.

در نظام شهری اصفهان صفوی، طرح باغها را بدون توجه به میدان نقش جهان نمی‌توان بررسی کرد؛ زیرا این میدان در حکم جلوخان مجموعهٔ دولت‌خانه (شامل کاخها و باغهای سلطنتی) است. نمونه‌هایی از میدان، به منزلهٔ جلوخان، در طرح دیگر شهرهای تاریخی ایران نیز یافت می‌شود. عنصر مهم دیگر خیابان چهارباغ است. گردشگاه چهارباغ، هم دولت‌خانه و باغهای برون‌شهری واقع در دو سوی زاینده‌رود را به یکدیگر وصل می‌کرد، و هم ستون فقرات الگوی خطی باغها بود. پیوند میان باغهای شاهی و شهر از طریق دو فضای عمومی اصلی بیان می‌شد: خیابان چهارباغ و میدان نقش جهان. هریك از این دو فضا بخشی از باغها را سامان و ساختار می‌داد. همچنین این دو فضا تنها فضاهایی است که در آنها، باغها و کاخهای شاهی نمای شهری‌شان را نشان می‌دادند و ویژگیهای معمارانه و نمادینشان را بیان می‌کردند.

به‌رغم تصور رایج، طرح انتظام فضایی باغ ایرانی و موقعیت کوشکهای آن مبتنی بر الگویی خشك و ثابت نیست؛ بلکه متأثر از وضع طبیعی زمین و ویژگیهای ریخت‌شناختی آن و نیز میزان تراکم محل استقرار و طرح بناها یا باغهای مجاور است. بر این مبنا، می‌توان باغهای اصفهان را گونه‌بندی کرد. برخی از این گونه‌ها عبارت‌اند از: باغ تخت، باغ حومه، باغ- خیابان (چهارباغ).

موضوع دیگر بر مبنای نقشه‌های کمپفر، گونه‌های بناهای باغ است. پیش از آن باید دو جزء مهم از این بناها، یعنی تالار و ایوان را بازشناخت. ایوان عنصری کهن در معماری ایران است که در کوشك باغها نیز به‌کار می‌رفت و گاه همهٔ طرح آن را در سیطره می‌گرفت. اما تالار ستون‌دار نیمه‌باز ظاهراً از ابداعات نیمهٔ دوم صفویه است. تلفیق ایوان و تالار نیز مضمونی مسلط در ترکیب‌بندی تعدادی از بناهاست، شامل چهل‌ستون و آینه‌خانه و عمارت هزارجریب.

یکی دیگر از اقسام بناها عمارت سردر باغ است، که عالی‌قاپو مهم‌ترین آنها در اصفهان صفوی به شمار می‌رود. از آنجا که بناهای عالی‌قاپو را به منزلهٔ سردر اصلی دولت‌خانه‌ها می‌ساختند، طرح آنها گونه‌ای پیچیده‌تر از «عمارت سردر» است. گونهٔ دیگرْ کوشك مبتنی بر پلان چلیپایی است. این الگو را در گونه‌ای به‌کار برده‌اند که در آن، گوشه‌های حجره‌های زاویه پخ می‌خورد و موجب می‌شود فضای میانی هشت‌گوشی پدید آید که برای طاق گنبدین مناسب‌تر است. این طرح در عمارت جهان‌نمای شیراز و فرح‌آباد و در کوشك هشت‌بهشت اصفهان به کار رفته است. مطالعهٔ نقشه‌های کمپفر از گونه‌های کوشك در دورهٔ صفوی مجال این نتیجه‌گیری را می‌دهد که هرچند بناهای باغ عمدتاً مرکب از فضاهایی نیمه‌باز بوده‌اند، از نظر اندازه و شکل و مصالح اقسام متنوعی داشته‌اند.

از لحاظ اصول ترکیب‌بندی باغها و کوشکها، باید در این تصور قالبی متداول که این بناها تابع شدید اصل تقارن است تجدید نظر کرد. تحلیل دقیق نقشه‌ها به ما امکان می‌دهد که نوعی گرایش به وزن و ضرباهنگ، تقارن موضعی، سلسله‌مراتب، تشخّص محورها، به‌علاوهٔ وقوع برخی بی‌نظمیهای عمدی و مبتنی بر موقعیت باغ و بناهایش را تشخیص دهیم. این گرایش، از سلیقه‌ای خاص در علاقه به مناظر بدیع حکایت می‌کند که در معماری ایرانی نهفته است. این تحلیل توضیح می‌دهد که چگونه طرح با وضع موجود زمین، چه از نظر ارتباط با بافت شهری و چه وضع توپوگرافی، انطباق یافته و چگونه در طی زمان دستخوش تغییرها و الحاقها شده و در نتیجه، گونه‌ای از بنا پدید آمده که از الگوی انتزاعی بسی دور است.

از قرن هفدهم تا کنون نویسندگانی که به بحث در کاخهای دورهٔ صفویه پرداخته‌اند، الگوی این باغها را در ایران باستان جسته‌اند. چنان‌که پتروس بدیكِ[1] ایرانی-ارمنی [در قرن هفدهم] از کاخ کورش در تخت جمشید[4] به «تماشاخانهٔ چهارگوش ستون‌دار»[2] تعبیر می‌کند و گویی می‌خواهد آن را نظیر کاخ چهل‌ستون اصفهان دورهٔ صفویه بشمارد.[5] پیِترو دلاّواله[3] وجود چنین رابطه‌ای را تأیید می‌کند و در توصیفهای سیاحان اروپایی استناد به این رابطه تکرار می‌شود. تکسیه[4] در قرن نوزدهم می‌گوید:

> در تشریفات دربار فعلی ایران، کم‌وبیش آداب مرسوم در دربار داریوش دیده می‌شود {...}. کاخ چهل‌ستون، اقامتگاه محبوب شاه عباس، از نظر من مشابه تالار بزرگ ستون‌دار تخت جمشید است.[6]

(1) Petrus Bedik

(2) theatrum quadraginta oalumnarum

(3) Pietro della Valle

(4) Charles Téxier

بیشتر پژوهشهای باستان‌شناسی جدید نیز بر همین راه رفته‌اند. استروناخ[۵] در بقایای پایریدائزه[۶] [پردیس] در پاسارگاد، خیابان‌بندی چهاربخشی چهارباغ را می‌بیند.[۷] شواهد باستان‌شناسی از جویهای سنگی پاسارگاد با پلان باغ طویل با کوشکهایی با ایوانهای باز از چهار طرف، علت تصور پلان چهاربخشی است. باغ محصور و جوی و کوشکهای باز ویژگیهای اساسی نمونهٔ اصلی باغ شاهی است. اینکه در توصیف باغهای بعدی، عناصری همچون جوی آب، حوض، درختان میوه و سایر درختان، کوشك، حمام، و برجْ دائماً یاد می‌شود،[۸] ما را به این نتیجه می‌رساند که در تصور محققان دربارهٔ باغ در طول قرون تداومی در کار بوده است.

در این چارچوب برای اینکه سیر تحول گونهٔ باغ شاهی را دنبال کنیم، لازم است مشخصه‌های این گونه باغ در هر دوره را تعیین کنیم. بقایای باستان‌شناختی و وصف باغهای شاهی در سفرنامه‌های سیاحان اروپایی فرصتی بسیار خوب برای تفسیر آنها در اختیار می‌نهد. در خصوص مدارك بصری، توجه محققان بیشتر به تصاویر چاپ شده در سفرنامهٔ سیاحان اروپایی معطوف بوده که در دورهٔ صفویه شمار آنها بسیار است ــ زیرا در این دوره، علاقهٔ اروپاییان به ایران، به سبب جنگ ایران با عثمانیان، قوت گرفت. این تصاویر همیشه تصویری درست از معماری ایرانیان ارائه نمی‌کنند؛ زیرا طرحهای اصلی غالباً طرحهایی سردستی بود که کیفیتی نازل داشت و طرّاح گراور آنها را مطابق سلیقه و تصور اروپایی در طرح خود بیان می‌کرد. به‌جز کورنلیس دِبروئین[۷] که خود نقاش بود، و شاردن[۸] و بمبو[۹] که طرحهای‌شان را گرلو[۱۰] کشید، هیچ‌یك از سیاحان دورهٔ صفوی طرّاحی را حرفه‌ای نیاموخته بودند و بسیاری از اطلاعات ارزنده‌ای که در طرحهای سردستی آنان بود، در جریان ارائه و بیان [در طرّاحی مجدد و گراورسازی] از دست می‌رفت.[۹] بنا بر این، امروزه بسط مطالعهٔ باغهای دورهٔ صفوی آن‌چنان که طرحهای اصلی‌ای همچون طرحهای انگلبرت کمپفر[۱۱] را نیز در بر گیرد در اولویت است.[۱۰]

انگلبرت کمپفر (۱۶۵۱–۱۷۱۶) در سمت پزشك و منشی به همراه سفیر کارل یازدهم،[۱۲] پادشاه سوئد، به دربار شاه سلیمان در ایران آمد.[۱۱] کمپفر در حین سفرهایش در ایران در طی سالهای ۱۶۸۴–۱۷۱۶، از تعدادی از باغهای شاهی نقشه‌برداری و طرّاحی کرد. علاقه‌اش را به تاریخ طبیعی می‌توان در توصیفهایش از باغها و یادداشتهایی دربارهٔ گلهای ایرانی دید. پس از بازگشت به اروپا، تصمیم گرفت خاطرات خود را چاپ کند، ولی صرفاً از برخی طرحهایش برای تهیهٔ تصویر مشهور *دورنمای دولت‌خانهٔ اصفهان*[۱۳] در کتاب خود استفاده کرد.[۱۲] نسخهٔ اصلی دست‌نوشته‌ها و طرحهایش،[۱۳] که در کتابخانهٔ بریتانیا نگهداری می‌شود،[۱۴] نه فقط اطلاعاتی در بر دارد که در کتاب مزبور درج نشده، بلکه حاوی اصل طرحهاست که بسیاری از آنها دربارهٔ باغهای شاهی اصفهان و سایر شهرهای ایران است. این نقشه‌ها اولین نقشه‌های برداشت‌شده از باغهای صفوی به حساب می‌آید. طرحهای اصلی در مقایسه با گراورهایی که از روی آنها ساخته شده، مفصّل است و صورت ظاهری بناها و نیز سطوحی را نشان می‌دهد که کمپفر آنها را عملاً اندازه‌گیری کرده و دیده بود. از این‌رو، می‌توان مواردی را که طرّاح گراور برای تکمیل مجموعهٔ شاهی به طرح افزوده بوده بازشناخت. این نقشه‌ها منبع اطلاعاتی مهمی از تك‌باغهایی است که از بین رفته است و تحلیل گونه‌شناسانهٔ مطمئن‌تر این باغها را ممکن می‌کند. مطالعهٔ نقشه‌های کمپفر همچنین می‌تواند به تبیین مسائلی بپردازد از قبیل: طرز پراکندگی باغهای شاهی در دولت‌خانه و چگونگی ارتباط آنها با شهر؛ طرز تأثر این گونه باغ از ریخت‌شناسی و توپوگرافی شهر؛ مشخصه‌های گونه‌های

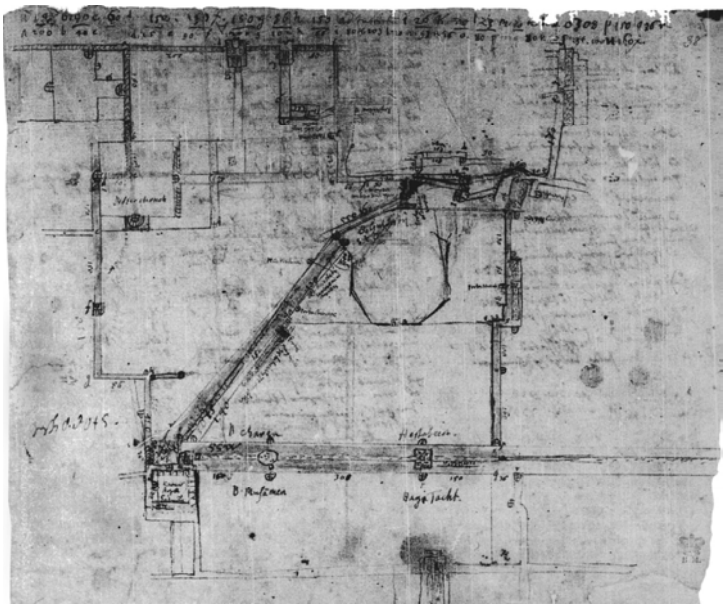

ت۱. کمپفر، نقشهٔ مجموعهٔ شاهی (دولت‌خانهٔ) اصفهان، لندن، کتابخانهٔ بریتانیا، MS BL Sloane 5232, fol.38r

(5) David Stronach

(6) pairidaeza

(7) Cornelis de Bruin

(8) Jean Chardin

(9) Bembo

(10) Grelot

(11) Engelbert Kaempfer

(12) Charles XI

(13) Planographia sedis regiae

معروف به چهارباغ و خیابان چهارباغ؛ گونه‌های بناهای وابسته به باغ.

در نقشهٔ دولت‌خانهٔ اصفهان (ت۱)،[۱۵] آشکارا پیداست که قسمتهایی که کمپفر اندازه‌گیری کرده مربوط به خیابانهای اطراف است. ائوجنیو گالدیری،[(۱۴)] از اعضای هیئت ایزمئو[(۱۵)][۱۶] که معدود بناهای باقی‌مانده از این مجموعهٔ باشکوه را مرمت کرد، پیش‌تر به این نتیجه رسیده بود که *دورنمای دولت‌خانهٔ اصفهانِ* کمپفر بر پلانی مبتنی بوده است.[۱۷] نقشهٔ دولت‌خانه که با نقشه‌های دقیق چند تک‌باغ همراه بوده، پلانی بوده که طرّاح گراور در ترسیم دورنما از آن استفاده کرده است. این دورنما الگوی خیابانهای مجموعه و بناهای وابسته به آنها را نشان می‌دهد که از قسمت غربی میدان شاه یا نقش جهان به طرف بخشی از خیابان چهارباغ امتداد می‌یابد؛[۱۸] اندازه‌ها به واحد گام[(۱۶)] داده شده است.[۱۹] در کنار میدان، عمارتهای سردر اصلی میدان ــ عالی‌قاپو و حرم ــ با حروف B و C مشخص شده است؛ دیگر ورودیها در طول خیابان با نامهای دروازهٔ شاهی،[(۱۷)] دروازهٔ شکوهمند،[(۱۸)] دروازهٔ حرم،[(۱۹)] و دروازهٔ نُوّاب[(۲۰)] نام‌گذاری شده است. سایر قسمتهای کاخ و باغها را با نامهای دفترخانه؛ آشپزخانهٔ شاهی؛[(۲۱)] باغ خرگاه؛ باغ هشت‌بهشت؛ باغ مثمّن؛ باغ تخت؛ کاروان‌سرای آقا سلمان؛ و مادی، یعنی جویهای مصنوعی منشعب از زاینده‌رود،[۲۰] در نقشه مشخص شده است.

چنانچه نقشهٔ دولت‌خانه و پلان اجمالی باغهای واقع در کنار گردشگاه چهارباغ[۲۱] (ت۲) را بر پلان دارالسلطنهٔ اصفهان[۲۲] منطبق کنیم (ت۳)، می‌توانیم عناصر پایدار را در مجموعهٔ شاهی [که از زمان صفویه تا قاجاریه در این مجموعه باقی مانده بود] تشخیص دهیم. این عناصر عبارت‌اند از: میدان نقش جهان و بناهای پیرامونش، خیابانهایی که از میدان به سمت غرب می‌رود، حیاطهای دفترخانه، باغ چهل‌ستون، و بیشتر باغهای واقع در امتداد چهارباغ. محل مادیها منطبق با محلی است که کمپفر در نقشه‌اش مشخص کرده؛ ولی از باغ گلدسته و بناهای مورّبی که کمپفر آنها را «راه بسته»[(۲۲)] نامیده نشانی نیست. ظاهراً این مناطق نسبت به آنچه در طرح پاسکال کوست[(۲۳)] دیده می‌شود، تغییرات عمده‌ای کرده بوده است.[۲۳] با این حال، گویی دیوار معوج باغ چهل‌ستون، که موازی با بناهای مورّب

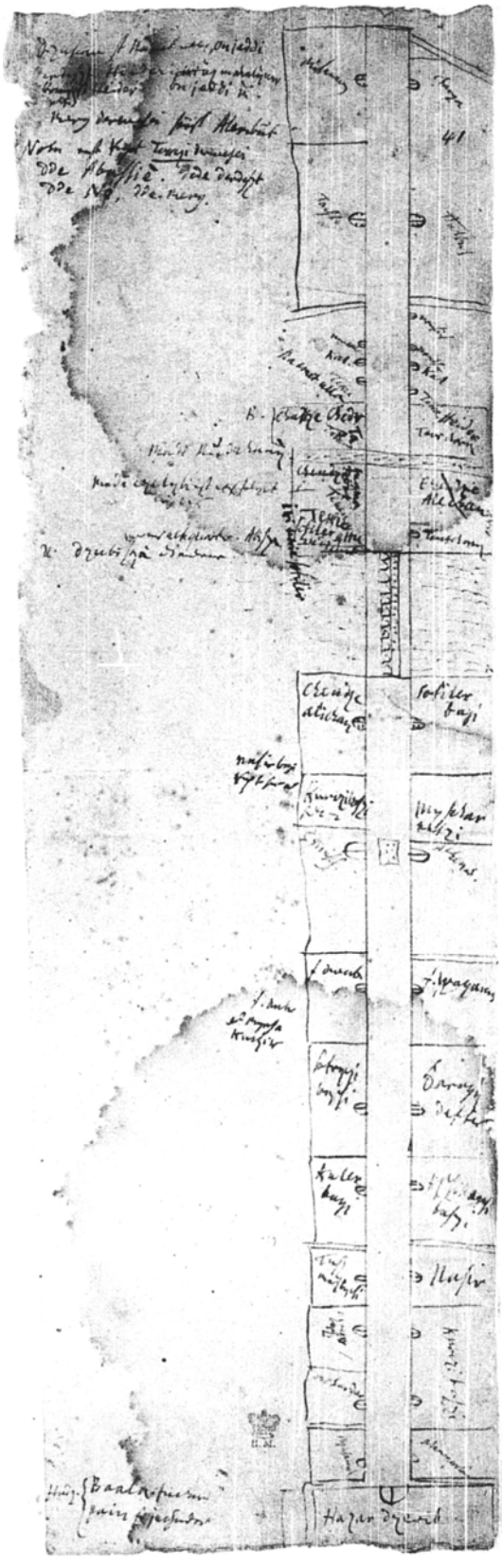

(14) Eugenio Galdieri

(15) IsMeO

(16) passi

(17) Porta Via Regia

(18) Porta Magnifica

(19) Porta Haram

(20) Porta Novvab

(21) Regis cucinae

(22) via clausa

(23) Pascal Coste

ت۲. کمپفر، نقشهٔ اجمالی باغهای شاهی کنار گردشگاه چهارباغ، لندن، کتابخانهٔ بریتانیا، MS BL Sloane 5232, fol.42r

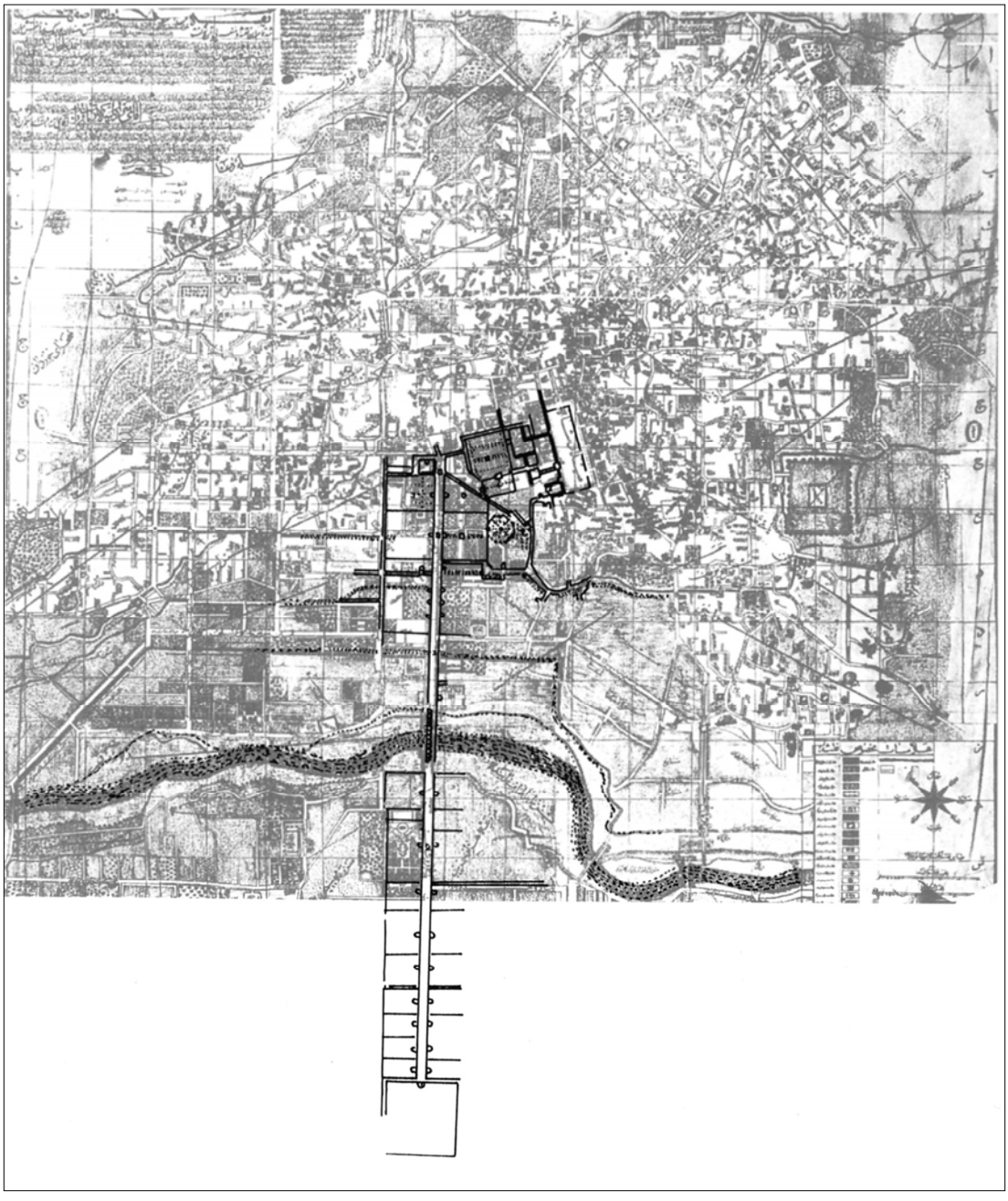

ت۳. نقشهٔ دولت‌خانه و باغهای اصفهان واقع در کنار گردشگاه چهارباغ که بر نقشهٔ سیدرضاخان از اصفهان منطبق شده است، تهران، کتابخانهٔ ملی ایران

بوده، تنها عنصری است که بر وجود «راه بسته» دلالت می‌کند. ویژگی اصلی طرح کلی انتظام بناهای مجموعهٔ شاهی[۲۴] آن‌چنان که در نقشهٔ کمپفر آمده، انگاره‌ای آزاد شبیه انگاره‌ای است که عموماً در معماری بناهای منفرد به‌کار می‌رود.[۲۵] دیوار خارجی دولت‌خانه جز در قسمت مماس با میدان نقش جهان و گردشگاه چهارباغ، هندسهٔ منظمی ندارد.

میدان و گردشگاه چهارباغ نقش مهمی در سازمان‌دهی طرح شهری دارد. این تأثیر را می‌توان در ویژگیهای معماری آنها نیز دید. دولت‌خانه چون بافتی یکپارچه مرکب از حیاطها و باغهایی با کارکردهای گوناگون سامان یافته است: دیوان‌خانه برای مراجعان عمومی، حرم و خلوت‌خانه برای زندگی خصوصی [شاه و امیران]، بیوتات سلطنتی[۲۶] برای دیگر اقسام خدمات مورد نیاز دربار. میدان[۲۷] به منزلهٔ جلوخان این مجموعه عمل می‌کند؛ گردشگاه چهارباغ کارکردهای اسکان و

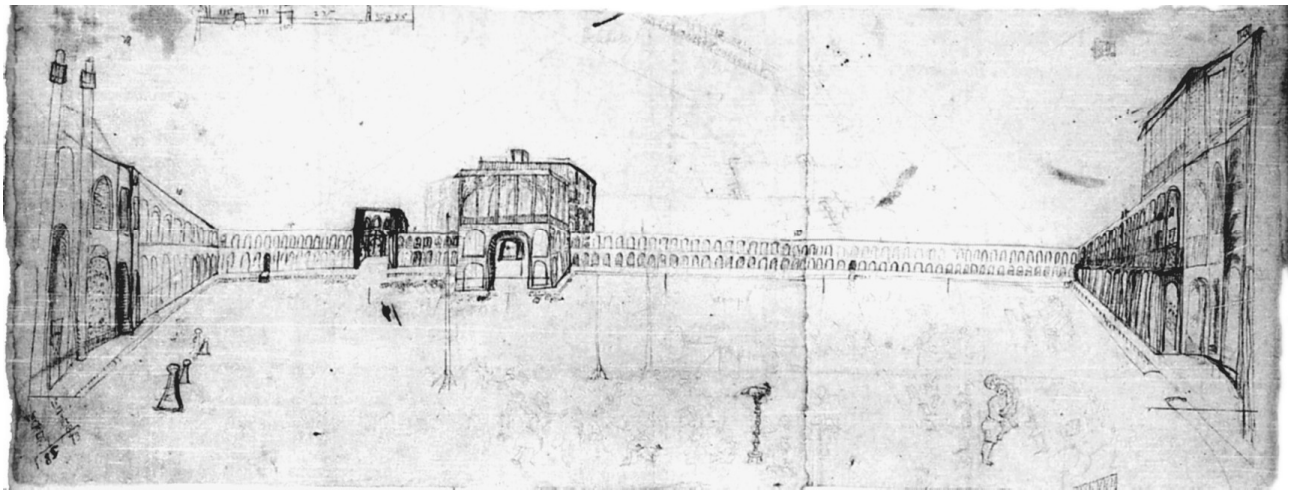

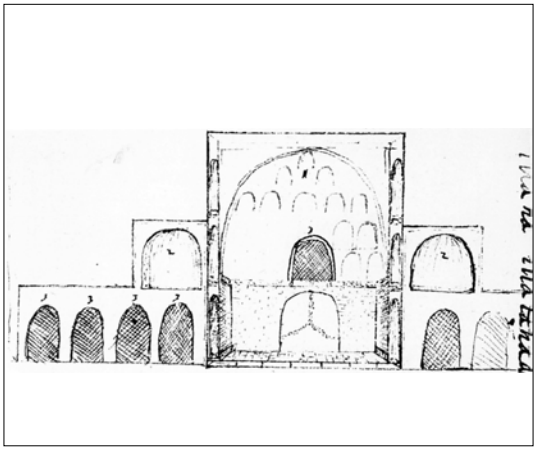

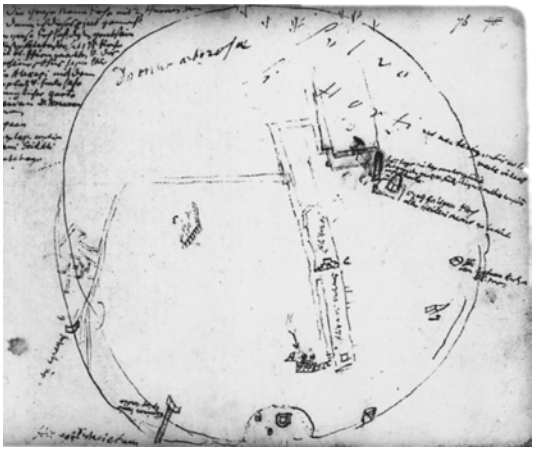

ت۴. (بالا) کمپفر، دورنمای میدان نقش جهان و رواقهای دوطبقهٔ پیرامون آن که بناهای شاخصی مانند عالی‌قاپو، و سردرهای حرم و بازار و مسجد شاه آن را شکسته‌اند، لندن، کتابخانهٔ بریتانیا، MS BL Sloane 5232, fol.36r

ت۵. (چپ پایین) کمپفر، نقشهٔ قزوین و میدان جلو عالی‌قاپو، لندن، کتابخانهٔ بریتانیا، MS BL Sloane 2923, fols.75v-76r

ت۶. (راست پایین) کمپفر، عالی‌قاپو، که سردر دولت‌خانهٔ قزوین است، لندن، کتابخانهٔ بریتانیا، MS BL Sloane 2923, fol.70r

تفرج را در الگویی خطی سامان می‌دهد. این دو فضا در بافت شهری نیز نقشی ساختاری دارند و دو شبکهٔ مجزا می‌سازند که تک‌باغها و حیاطها در امتداد آنها سامان یافته‌اند. تقاطع این دو شبکه با عنصر مورّب ــــ یعنی «راه بسته» ــــ همخوانی دارد و به طرح هشت‌گوش باغ گلدسته منتهی می‌شود.

باید یادآور شد که میدان نقش جهان و خیابان چهارباغ علاوه بر تأثیر بر طرح شهر، تنها فضاهایی‌اند که نمای شهری دارند. دورنمای جالبی از میدان نقش جهان (ت۴)[۲۸] ویژگیهای معمارانه این فضا را نشان می‌دهد که در آن، رواقهای دوطبقه، شامل بازارگاه و بالاخانه‌ها،[۲۹] را بناهای ممتازی قطع می‌کنند که از طریق راه حلهای [معمارانهٔ] خاصی نمایانگر ورود به مکانهای مختلف‌اند: عالی‌قاپو، که «درگاه» پنج‌اشکوبه‌ای است با تالار [ستون‌دار]ی مشرف بر میدان و مهم‌ترین عمارت سردرِ مجموعهٔ دولت‌خانه است؛ ورودی مخصوص زنان با نمایی سه‌بخشی؛ در سمت راست تصویر، سردر بازار [قیصریه] که نقاره‌خانه (که در آن نقاره می‌زده‌اند) بر روی آن است؛ و در سمت چپ تصویر، سردر رفیع مسجد شاه.[۳۰] باید گفت که نماهای میدان از سلیقهٔ خاص ایجاد ضرباهنگ در معماری حکایت می‌کنند، نه تقارنی خشك. این رویکرد را می‌توان در مجموعهٔ شاهی تخت جمشید نیز یافت. بنا بر این، در میدان است که نمای شهری مجموعهٔ شاهی نشان داده می‌شود.

در واقع، میدان در طراحی مجموعه‌های شاهی عنصری لازم بوده و از آن به منزلهٔ جلوخان کاخها و باغهای شاهی استفاده می‌شده است. یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های میدانِ مربوط به باغهای شاهی میدان صاحب الامر در تبریز است که نصوح مطراقچی[۳۱] آن را به نام جلوخان کاخ اوزون حسن (حک ۸۷۳–۸۸۲ق / ۱۴۶۸–

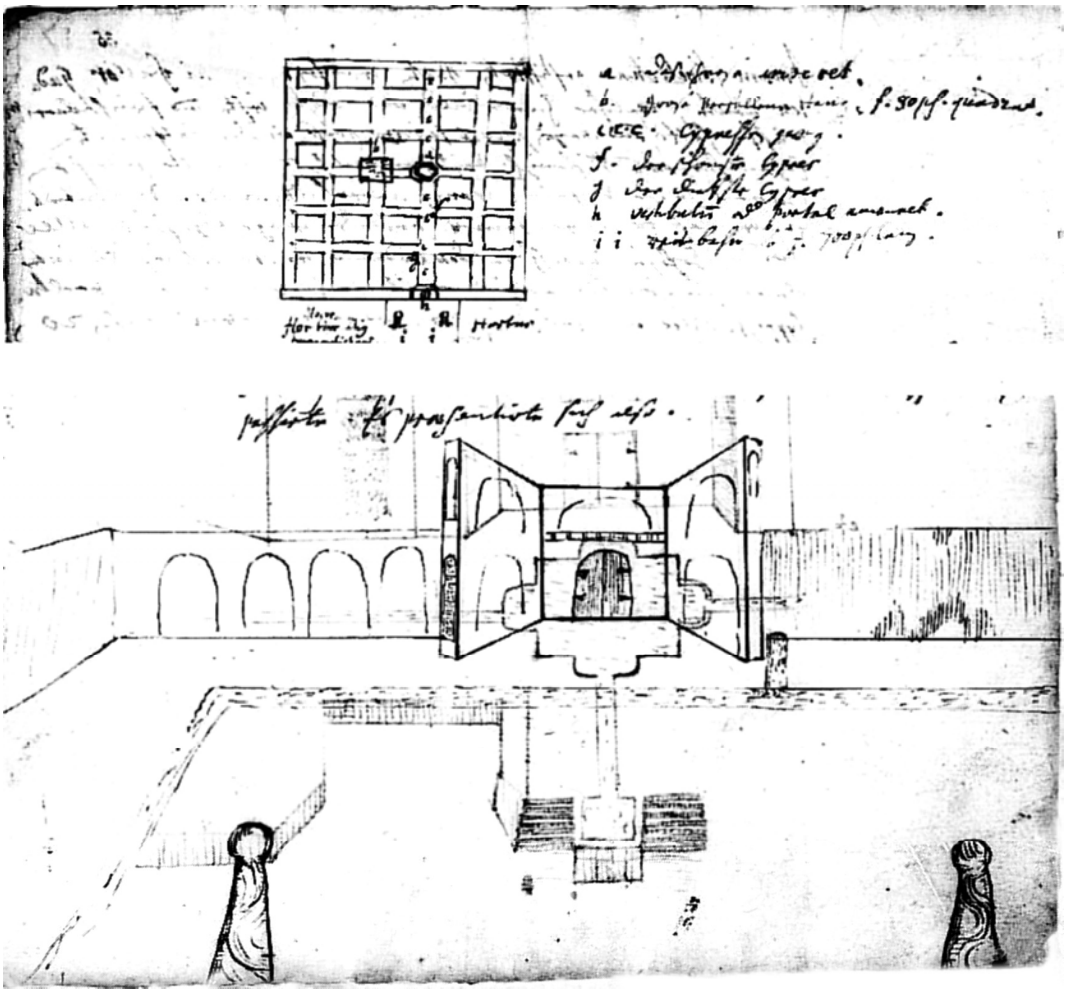

ت۷. کمپفر، پلان باغ امام‌قلی‌خان در شیراز، که میدانی در جلو آن است. دروازه‌های چوگان را می‌توان در تصویری که سردر باغ را نشان می‌دهد دید، لندن، کتابخانهٔ بریتانیا، MS BL Sloane 2923, fol.70r

۱۴۷۸م)، که در جنوب آن قرار دارد، تصویر کرده است. گذشته از اطلاعات در منابع مکتوب دربارهٔ میدانها و استفاده از آنها برای چوگان، مجموعه‌ای از طرحهای کمپفر شواهد دیگری دالّ بر محبوبیت این ورزش سنتی و همچنین قرار گرفتن همیشگی میدانها در جلو باغهای شاهی به دست می‌دهد. در نقشهٔ قزوین (ت۵) فضایی طویل جلو عالی‌قاپو دیده می‌شود، که ورودی باغهای شاهی است و با عبارت «جلوخان عالی‌قاپو»[۲۴] مشخص شده و در نقشه‌ای با جزئیات بیشتر نیز تصویر شده است (ت۶). میدانی برای چوگان در جلو باغی بود که به امام‌قلی‌خان، حاکم شیراز، تعلق داشت (ت۷). در نقشهٔ کاشان (ت۸)، حروف bb نشان باغ شاهی[۲۵] است و دروازه‌های بازی چوگان در ابتدای فضایی طویل در جلو باغهای شاهی دیده می شود.[۳۲] در همهٔ این موارد، «عمارت سردر»ی وجود داشته که نه فقط راه رسیدن به محوطهٔ کاخ بوده، بلکه از طریق ایوانی بزرگ بر میدان مشرف بوده، که هم نظرگاهی برای شاه فراهم می‌آورده و هم خود جلوه‌ای زیبا داشته است. عمارت سردرْ نمای شهری دولت‌خانه را ارائه می‌کرد.

گردشگاه چهارباغ، هم دولت‌خانه و باغهای برون‌شهری واقع در دو سوی زاینده‌رود را به یکدیگر وصل می‌کرد، و هم ستون فقرات الگوی خطی باغها بود.[۳۳] هریك از این باغها عمارت سردری داشت و این سردرها به‌تقارن در کنار چهارباغ قرار می‌گرفتند و نمای شهری بی‌نظیری فراهم می‌آوردند. از فراز کوشك جهان‌نما،[۳۴] واقع در منتهی‌الیه شمالی خیابان چهارباغ،[۳۵] و نیز از رواقهای اشکوب فوقانی عمارتهای سردر باغها، اهمیت این منظر باشکوه فهمیده می‌شد. در باغ مثمّن،[۳۶] واقع در جانب غربی ابتدای چهارباغ، کوشكِ سردرْ تنها بنای باغ بود. این امر بر این واقعیت تأکید می‌کند که چهارباغ عنصر اصلی

(24) Alikapi vestibuli

(25) horti regi

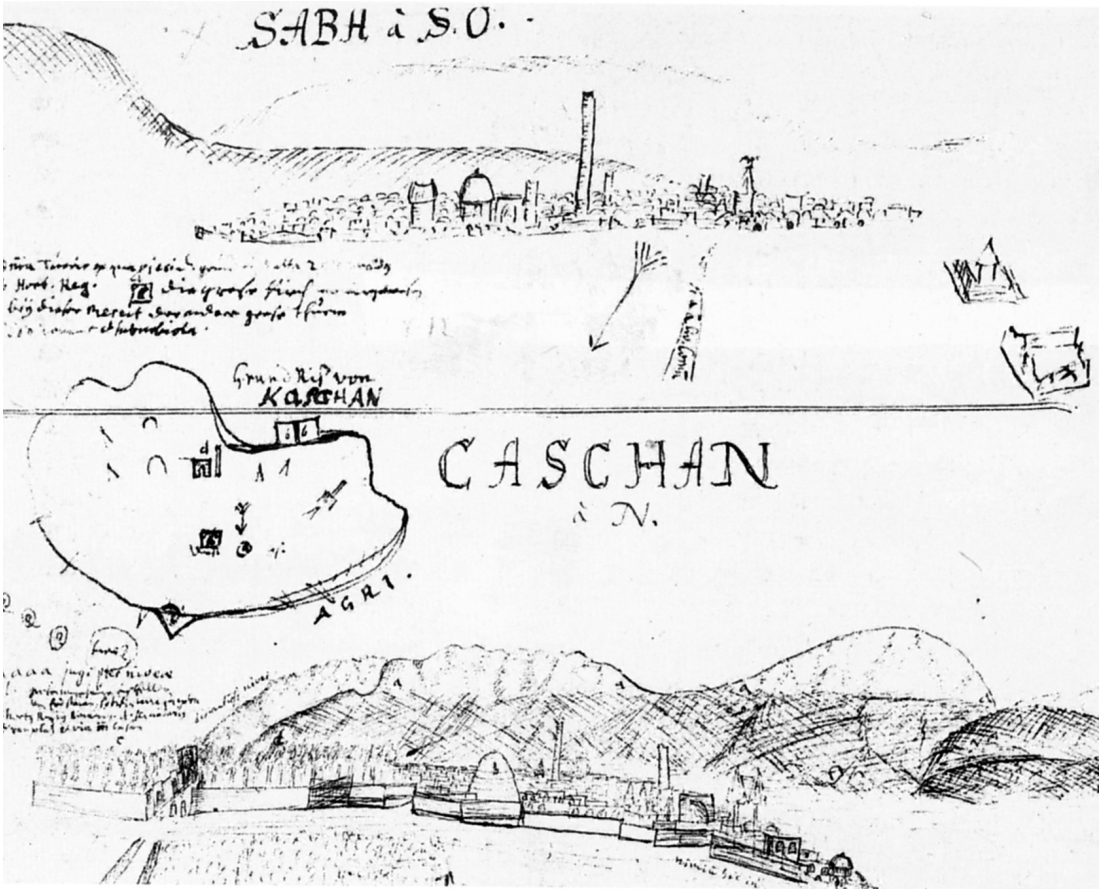

ت۸. کمپفر، کاشان، پلان باغهای شاهی که در جلو آنها میدانی است که دورنمای آن تصویر شده است، لندن، کتابخانهٔ بریتانیا، MS BL Sloane 2923, fol.80v

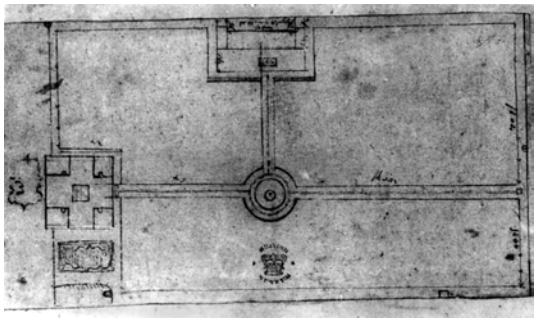

ت۹. کمپفر، باغ خلوت، پلان با کوشکی چهارایوانی در کنار دیوار غربی‌اش و کوشکی با تالاری در جلوش در کنار دیوار شمالی، لندن، کتابخانهٔ بریتانیا، MS BL Sloane 2910, fol.91r

در طرح این بخش از شهر بوده است. با اینکه بیشتر این باغها امروز کاملاً از میان رفته‌اند، هنوز می‌توان ردّ شبکه اصلی آنها را در بافت شهری دید.

چنانچه این فضا را فقط خیابانی بشماریم که محوری خطی از نقاط پدید می‌آورد، اهمیت آن فهمیده نمی‌شود. ترکیب خطی این خیابان و فراخی آن امروزه امری عادی شمرده می‌شود؛ اما اگر چشم‌انداز طولی چهارباغ[۳۷] را با هر معبر دیگری در شهر کهن مقایسه کنیم، قوت طرح آن را به منزلهٔ فضای بازِ شهریِ عظیمی که چون باغی طویل طرّاحی شده است، درمی‌یابیم. همهٔ سیاحانی که به اصفهان آمده‌اند، این منظر را ستوده‌اند. کورنلیس دِبروئین سه نما از این گردشگاه ترسیم کرده؛[۳۸] ولی نقشهٔ کمپفر تنها سند تصویری‌ای است که کل طول این فضا را آن‌چنان که در دورهٔ صفوی طراحی شده بود نشان می‌دهد.[۳۹] چهارباغ فضای شهری عالی‌ای بود که با عناصر معمارانه و تزیینی‌ای طرّاحی شده بود که توسعهٔ جدید شهر را سامان می‌داد.

پس می‌توان نتیجه گرفت که پیوند میان باغهای شاهی و شهر از طریق دو فضای عمومی اصلی بیان می‌شد: خیابان چهارباغ و میدان نقش جهان. هریك از این دو فضا بخشی از باغها را سامان و ساختار می‌داد. همچنین این دو فضا تنها فضاهایی است که در آنها، باغها و کاخهای شاهی نمای شهری‌شان را نشان می‌دادند و ویژگیهای معمارانه و نمادینشان را بیان می‌کردند.

طرح انتظام فضایی باغ و موقعیت کوشکهای آن بسیار متأثر از تراکم بافتی است که در آن قرار می‌گیرد و حیاطها و باغهای مجاور را شامل می‌شود. اگرچه این

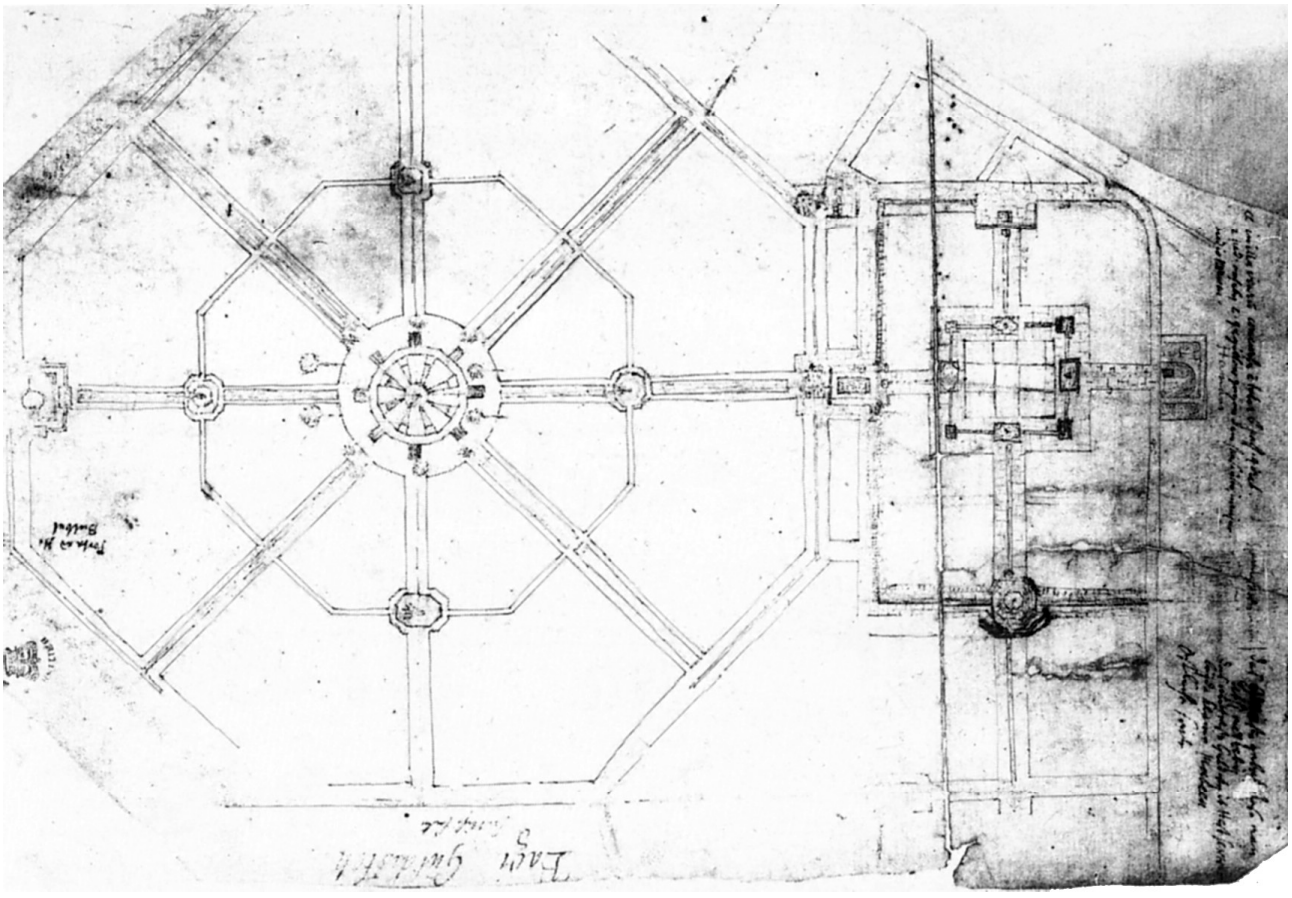

ت۱۰. کمپفر، باغ گلدسته و کاخ شانزده‌وجهی در مرکز آن، و کاخ اوچی‌مرتبه، مبتنی بر پلان چهارایوانی، لندن، کتابخانهٔ بریتانیا، MS BL Sloane 2910, fol.92r

عناصر مطابق شبکه‌ای استقرار یافته‌اند، عناصر گوناگون باغ به طرزی بدیعْ نامنظم می‌نماید. آزادی در طرح استقرار کلی دولت‌خانه در ساختار هندسی باغهای منفرد منعکس شده است. طرح این باغها ضرورتاً بر نظام متقارن خشکی منطبق نیست؛ هرچند که تقارن موضعی میان اجزای آنها برقرار است.

در باغ خلوت (ت۹)،[۴۰] معبر اصلی در وسط باغ قرار نگرفته؛ بلکه روی محوری است که از ایوان شرقی کوشك آغاز می‌شود و دیوار غربی آن را قطع می‌کند. حوضی ظریف به‌تقارن در جلو ایوان جنوبی کوشك قرار گرفته است که همراه با برج، گوشه‌ای از باغ را مشخص می‌کند. شاه می‌توانسته از آن طریق به اندرونی برود. مکان کوشکها در امتداد دیوارها به واسطهٔ بافت مجاور آنها مشخص شده است.[۴۱] بدین ترتیب، کوشکها واسطه‌ای برای گذر از باغی به باغ دیگرند: کوشك چهارایوانی در انتهای معبر اصلی، در میان باغ خلوت و انگورستان، قرار داشت؛ بنایی دیگر، که مهم‌ترین بخش محور فرعی بود، به واسطهٔ تالاری به باغ خلوت رو می‌کرد و به واسطهٔ ایوانی به باغ چهل‌ستون. در محل تلاقی این دو معبر بنایی بلند و گنبدین، با جوی آبی در گرداگرد و حوضی هشت در وسطش، قرار داشت.

باغ گلدسته (ت۱۰) هندسه‌ای با پیچیدگی خاص داشت. این باغ از محوطه‌ای هشت‌گوش در غرب و ضمیمه‌ای مستطیل‌شکل در شرق تشکیل می‌شد که عمارت اوچی‌مرتبه در مرکز آن قرار داشت. هندسهٔ اصلی باغ از کوشکی شانزده‌گوش به نام گلدسته[۴۲] سرچشمه می‌گرفت. از هریك از هشت ضلع دیگر این کوشك، خیابانی مشجر به درختان چنار آغاز می‌شد، که [امتداد] شعاعهای یك هشت‌ضلعی بود. معبری حلقوی این خیابانها را در میان باغ قطع می‌کرد و در آنجا، چهار حوضْ دو محور اصلی شمالی‌ـ جنوبی و شرقی‌ـ غربی را تشخص می‌بخشید. محور شرقی‌ـ غربی مهم‌ترین منظر باغ بود که با جوی و آبشار و سردری رو به باغ بلبل[۴۳] و کوشك اوچی‌مرتبه و حمام مشخص می‌شد. بدین ترتیب، هم‌گرایی طرح شعاعی به

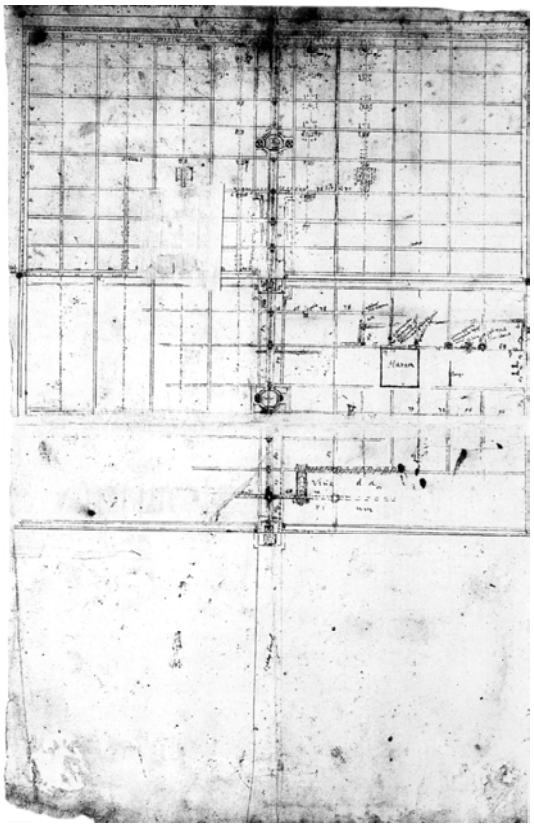

ت۱۱. (راست) هوفستد فان اسن، دورنمای باغ تخت شیراز، برگرفته از: Miscellaneous" Drawing by G. H. Van Essen and Dr. Edward Brown," MS BL Sloane 5234, fol.7r

ت۱۲. (چپ) کمپفر، نقشهٔ باغ هزارجریب اصفهان، برگرفته از: Original Drawings" of Dr. Engelbert Kaempfer Drawn by himself…," MS BL Sloane 5232, fol.45v

سلسله‌مراتب دقیق محورها بدل می‌شد و عناصر معماری و تزیینی بر این سلسله‌مراتب تأکید می‌کرد. بدین صورت، آنچه در نظر اولْ پلانی مرکزی می‌نمود، از طریق تفصیل ظریف محور، به هیئت کشیدهٔ متداول باغهای ایرانی درمی‌آمد.

این صورت نامعمول هشت‌ضلعیْ متجانس‌ترین افزار ترکیبی است که تلاقی دو شبکهٔ متفاوت را ممکن می‌سازد ــــ تلاقی‌ای که از زاویهٔ بین گردشگاه چهارباغ و میدان شاه حاصل می‌شود. بر همین اساس، نتیجه می‌گیریم که انطباق طرح باغ با موقعیتهای مختلف شهری بر پیچیدگی و تنوع طرح انتظام فضایی آن افزود.

عامل دیگری که طرح باغ قویاً از آن تأثیر می‌پذیرفت ویژگیهای ریخت‌شناختی زمین بود. در حومهٔ شهر که معمولاً دامنهٔ تپه‌ها را برای باغ‌سازی انتخاب می‌کردند، ناگزیر محور اصلی باغ را وضع عوارض زمین تعیین می‌کرد. در حالی که افزودن محور فرعی در بافت شهری دولت‌خانه امری ممکن بود، در زمین شیب‌دار بایست از چنین محوری دست می‌کشیدند. باغ تخت در شیراز نمونه‌ای بارز است. مشخصه‌های اصلی این باغ را از طریق منظری می‌شناسیم که هوفستد فان اسن[۲۶] (ت۱۱)[۴۴] کشیده است. عمارت اصلی واقع در مکانی رفیع است که از یك جانب به حیاط میانیِ خلوت باز می‌شود و از سوی دیگر، از طریق تالاری به تختانهایی مشرف است که زمانی بین عمارت و باغچهٔ تحتانی با استخری بزرگ (دریاچه) بوده است. سایر باغهایی که باغ تخت[۴۵] خوانده می‌شده نیز چنین طرح انتظامیْ در وضع توپوگرافی مشابه باغ تخت شیراز داشته است.[۴۶]

چون مواردی از باغهایی می‌شناسیم که آنها را بر مبنای الگوی‌شان نامیده‌اند، شاید «باغ تخت» هم گونه‌ای از باغ بوده باشد. مثلاً شرف‌الدین علی یزدی گزارش می‌دهد که تیمور در بیرون سمرقند، چهار باغ با الگوبرداری از باغهای شیراز ساخت و همهٔ آنها را به نام باغهای اصلی‌شان نامید: باغ جهان‌نما، باغ ارم، باغ دل‌گشا، باغ تخت قره‌چه.[۴۷] این باغ اخیر تابع باغی بود که اتابك قره‌چه در شیراز ساخته بود؛ و همچون الگویش، کوشکی بر فراز تپه داشت.[۴۸]

بنا بر این، گونه‌ای از باغ که آن را «باغ تخت» می‌نامیدند با تختانهایی مشخص می‌شد که از کوشکی آغاز می‌شد که حیاطی در میان داشت و بر بالاترین تختان نشسته بود. این تختانهای پلکانی رو به پایین می‌رفت و به باغچه‌ای فراخ و نسبتاً مسطح می‌رسید که دریاچه‌ای در میان داشت. هرچه تختانها رو به پایین می‌رفت، سطحشان به فراخور شکل و شیب تپه بزرگ‌تر می‌شد.

این تحلیل باغهای شاهی، که به همهٔ آنها «باغ» می‌گویند، نتیجهٔ دیگری را به ذهن می‌آورد. طرح انتظام باغ خلوت و باغ گلدسته و باغ تختْ دامنهٔ متنوعی را نشان می‌دهد که مبیّن انطباق با محیطهای مختلف شهری

(26) Hofsted van Essen

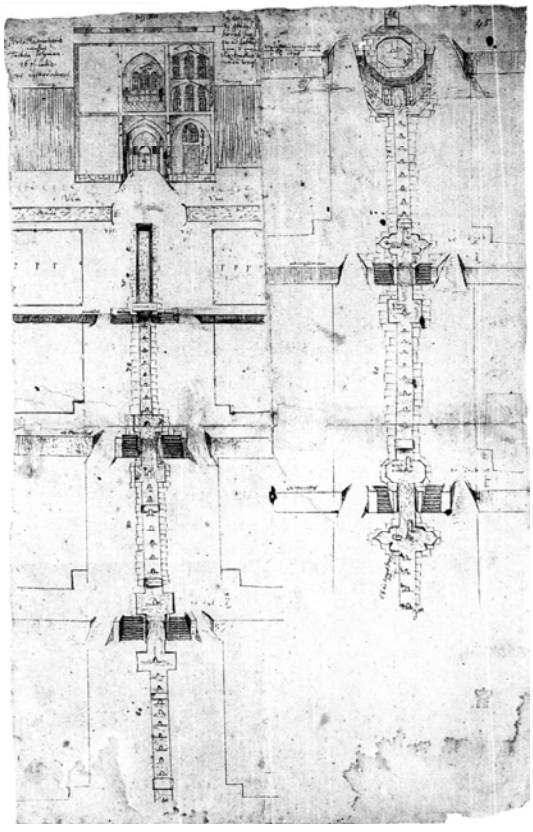

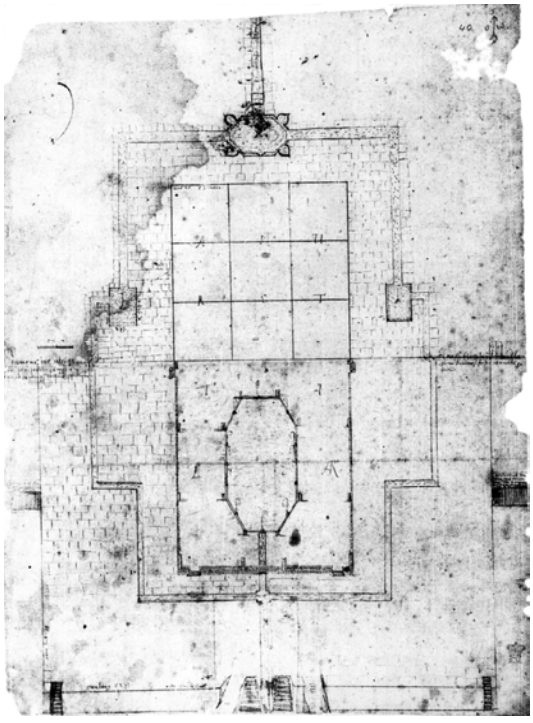

ت۱۳. (راست) کمپفر، باغ هزارجریب، کوشك سردر با قسمتی از معبر اصلی (خیابان)، لندن، کتابخانهٔ بریتانیا، MS BL Sloane 5232, fol.45

ت۱۴. (چپ) کمپفر، نقشهٔ کلی باغ هزارجریب و تالار جلو آن، لندن، کتابخانهٔ بریتانیا، MS BL Sloane 5232, fol.40r

و وضع توپوگرافی است و مجالی برای تعاریف قالبی نمی‌گذارد. درست است که ویژگی بارز این باغها داشتن باغچه‌های محصور با پلان هندسی و موقعیت بناهایی است که محورهایی متفاوت و مزیّن به حوض و جوی پدید می‌آورد، در آنها هیچ نظم متقارن خشکی نمی‌یابیم و موقعیت بناها از وسط باغ تا پیرامون آن یا تا فراز باغ تغییر می‌کند.

نقشه‌های متعدد کمپفر از باغ هزارجریب اصفهان، که آن را نیز «چهارباغ هزارجریب» نامیده، دربارهٔ طرز ایجاد باغ به شیوهٔ «چهارباغ» اطلاعات بیشتری به دست می‌دهد. معمولاً این گونه باغ را دارای پلانی چهاربخشی شمرده‌اند. نقشه‌برداری دقیق کمپفر (ت۱۲)[۴۹] از این باغ نشان می‌دهد که چهارباغ هزارجریب پلان چهاربخشی نداشته و مبتنی بر محوری اصلی بوده است. از این رو می‌توانیم تصور کنیم که ذکر «چهار» در نام این باغ تعبیری نمادی بوده است و لزوماً بر چهار بخش مجزا دلالت نمی‌کند.

کمپفر می‌گوید این باغ در زمرهٔ باغ حومه،[۵۰(۲۷)] واقع در منتهی‌الیه گردشگاه چهارباغ، بر زمینی شیب‌دار قرار دارد.[۵۱] پس کارکرد این باغ با کارکرد باغهای دولت‌خانه تفاوت داشته است. باغ حومه مجموعه‌ای بزرگ و متشکل از دو بخش بود به نام باغ هزارجریب نو و باغ هزارجریب کهنه. این باغ دارای یك بالاخانه (ت۱۳) در ابتدا و بالاخانه‌ای دیگر در انتها؛ عمارتی تالاردار در وسط (ت۱۴)، که دیوار فاصل دو باغ کهنه و نو را قطع می‌کرد؛ یك حرم؛ و بالاخره میدانی برای بازی چوگان و قپق‌اندازی بود.

جوی و مادی‌ای منشعب از زاینده‌رود باغ را آبیاری می‌کرد. باغ کرتهایی داشت با گیاهان معطر و درخت میوه و گل. با این حال، از گزارش کمپفر برمی‌آید که زیباترین جاذبهٔ باغ، «شاه‌جو»ی آراسته به حوضها و آبشارها و ردیفهایی از درختان چنار بود که دورنمای آن از تالار و بالاخانه دیده می‌شد. کمپفر این محور را دقیقاً نقشه‌برداری کرده و توالی قرارگیری نقشه‌هایش صحیح است[۵۲] و تصویری کامل از شاه‌جوی به دست می‌دهد. شاه‌جوی ساخته از سنگ، همهٔ باغ را در امتداد محور طولی می‌پیمود: در مسیرش استخری هشت‌گوش بود با دو کوشك کوچك در کنارش؛ آب از چند حوض و آبشار می‌گذشت تا به عمارت برسد و پس از دور زدن بنا به حوضی در تالار می‌ریخت؛ پس از عبور از مجموعه‌ای از حوضهای کوچك، به استخر هشت‌گوش دیگری می‌ریخت

(27) horti suburbani

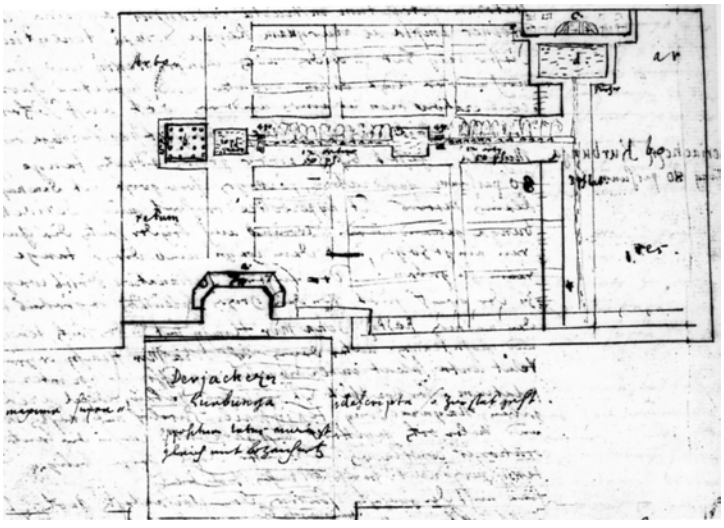

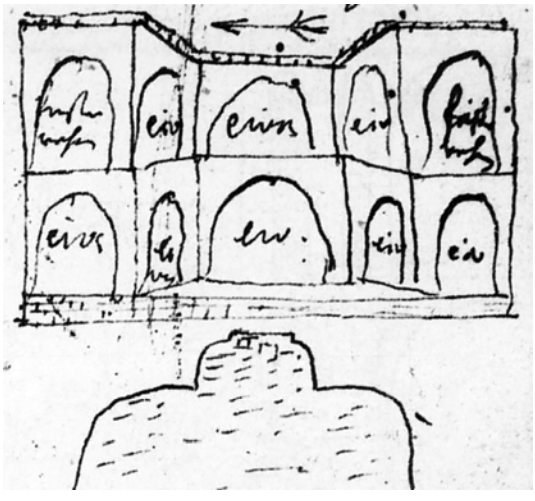

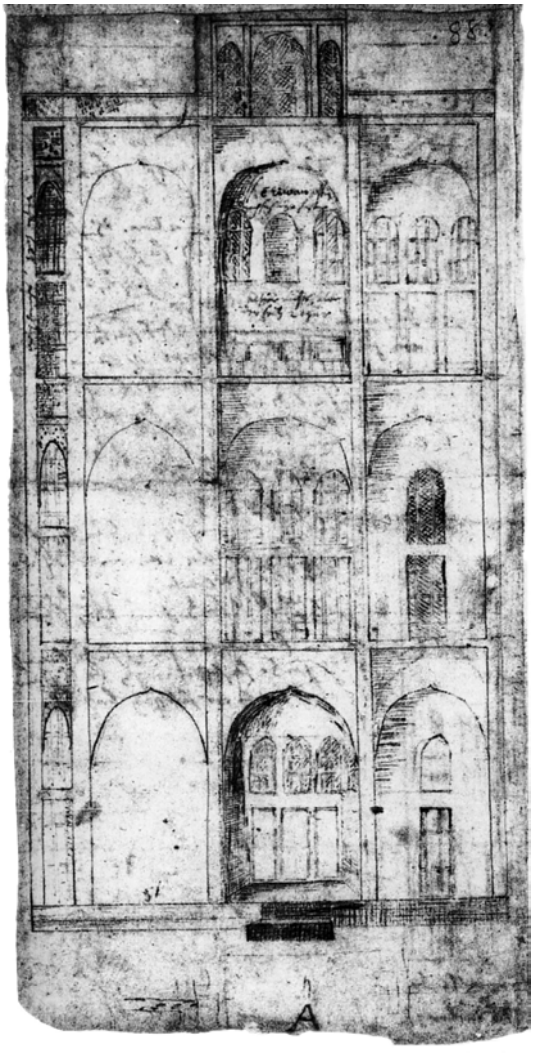

ت۱۵. (راست بالا) کمپفر، نقشهٔ قسمتی از راستهٔ مصلا در شیراز و حوض بزرگی مشهور به دریاچهٔ قربونگاه [قربانگاه]، لندن، کتابخانهٔ بریتانیا، MS BL Sloane 2912, fol.34v

ت۱۶. (چپ) کمپفر، نمای کاخ اوچی‌مرتبه که ایوانهای سه‌طبقهٔ واقع بر هم را نشان می‌دهد، لندن، کتابخانهٔ بریتانیا، MS BL Sloane 2910, fol.95r

ت۱۷. (راست پایین) کمپفر، نقشهٔ سردر و جلوخان باغ بلبل در کنار گردشگاه چهارباغ، لندن، کتابخانهٔ بریتانیا، MS BL Sloane 2910, fol.103v

که در طرفین آن نیز کوشکهایی بود؛ سرانجام به حوضی چهارگوش در جلو سردر گردشگاه چهارباغ سرازیر می‌شد. شاه‌جوی به فواره‌هایی نیز آراسته بود که به آن دورنما تحرک می‌بخشید.

معبر اصلی باغ چنان‌که در نقشه‌برداری دقیق کمپفر دیده می‌شود، کاملاً تفصیل‌یافته و پرداخته است و مهم‌ترین قسمت تزیینی باغ را تشکیل می‌دهد. پیِترو دلاّواله به‌درستی بر کیفیت جمالی این معبر اصلی (خیابان) در باغهای شاهی تأکید کرده است.[۵۳] خیابان با شاه‌جوی آراسته به درختان چنارْ عنصر اصلی در طرح باغ را نمایان می‌کرد. اهمیت آن از آنجا معلوم می‌شود که این عنصر به‌تنهایی منجر به گونهٔ باغ خطی به نام «خیابان چهارباغ» شد که تفرجگاهی عمومی بود و دولت‌خانهٔ شهری را به باغهای شاهی حومه مرتبط می‌کرد. خیابان چهارباغ اصفهان مکانی تفریحی برای عموم بود و زیبایی‌اش، طبق توصیفهای کمپفر، مرهون نهرهای آب و ردیفهای درختان چنار درهم‌تنیده‌ای بود که مردم می‌توانستند زیر طاق سبزشان قدم بزنند[۵۴] و همچنین سردرهای باغها در طرفین خیابان. از این لحاظ، خیابان چهارباغ مظهر سلیقهٔ عمومی است.

وجود خیابانهای چهارباغ در بسیاری از شهرهای ایران محرز است.[۵۵] اینکه طرح این خیابانها مشابه چهارباغ اصفهان بوده یا صرفاً خیابانهایی با ردیف درختان، موضوعی است که هنوز باید کلاً بررسی شود. می‌دانیم که در کاشان، خیابان چهارباغ محلات شاهی را در شمال شرقی شهر به باغ فین متصل می‌کرد. پیوند بین محلات شاهی و باغ حومه‌ای شاهی غالباً به صورت خیابانی مشجر ثبت شده است. کمپفر تأیید می‌کند که گردشگاه چهارباغ یا

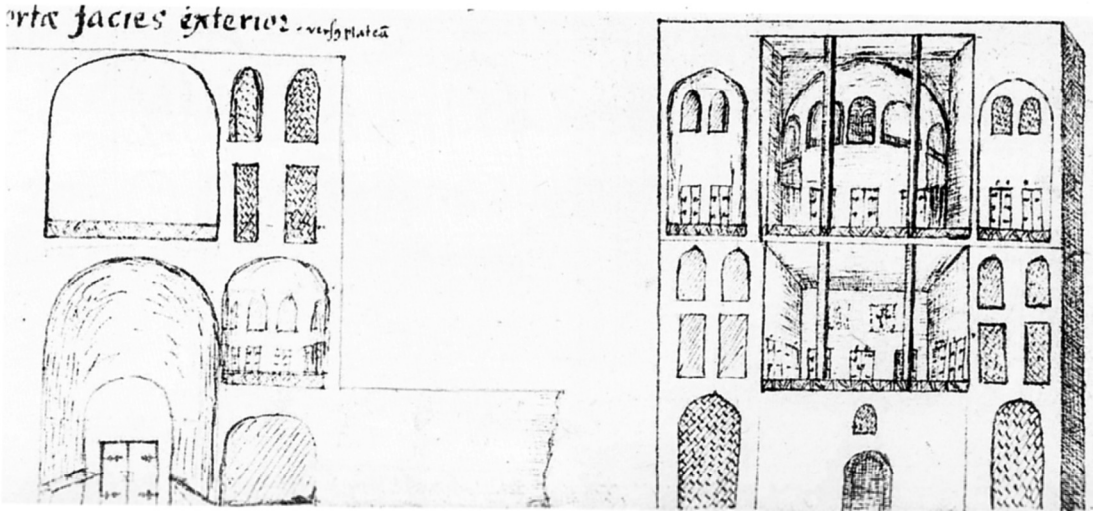

ت۱۸. نمای بیرونی و اندرونی و سردر یك باغ شاهی در کاشان

راستهٔ مصلا در شیراز طرحی مشابه با چهارباغ اصفهان داشته است.[۵۶] آنجا نیز باغهایی در دو سوی گردشگاه قرار گرفته بود، که یکی از آنها در نقشهٔ دیگری از کمپفر تصویر شده است (ت۱۵). در جلو استخری بزرگ به نام دریاچهٔ قربونگاه [قربانگاه]، عمارت سردر قرار داشت. از آنجا خیابانی به تالاری روبه‌روی محور طولی باغ منتهی می‌شد که موازی راسته بود. آن خیابان منظر اصلی باغ را پدید می‌آورد و به جویی با بیست‌وچهار فواره و دو آبشار آراسته بود؛ محور فرعی نیز خیابان را به استخری در جلو اندرونی مرتبط می کرد.

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان چنین فرض کرد که در این دوره، خیابان چهارباغ گونه‌ای از باغ یا گردشگاه طولی بود که محلات شاهی را در شهر به باغهای حومه متصل می‌کرد. عناصر اصلی طرح این گونه باغ انتظامی مستقیم بود با عرضی چندان فراخ که جویها و حوضها همراه با درختان کاج و سرو را فراگیرد، و لبه‌های این خیابان به عمارتهای سردر باغهای مختلف آراسته بود.

موضوع آخری که در زمینهٔ نقشه‌های کمپفر قابل بحث است گونه‌های مختلف بناهایی است که در باغها یافت می‌شده است. در مجموعهٔ شاهی اصفهان، عمارتهای بسیاری می‌توان یافت که در دربار ایران از آنها استفاده می‌شد و در جاهای دیگر نیز همان نامها را داشت، که مؤید دلالت آنها بر گونه‌هایی واحد است. چندین بنا به نامهای عالی‌قاپو و چهل‌ستون و هشت‌بهشت و جهان‌نما هست؛ و دلاّواله می‌گوید که همهٔ کاخهای شاه را به یك روش می‌سازند.[۵۷]

پیش از تشریح گونه‌های مختلف عمارات، نخست باید از دو واحد معماری ــ تالار و ایوان ــ تعریفی عرضه کنیم که متضمن لبّ ویژگیهای اصلی عمارتها باشد. تالار[۵۸] عبارت از فضای مسقّف رفیعی است که از سه طرف باز است و سقفی مسطح و طرّه‌دار و متکی بر ستونهای چوبی دارد. در متنی به نام «در دانستن عمارت و طرح آن»[۵۹] آمده است که تالار هر عمارت متکی بر ستونهایی است، و تالار بی‌طرّه در معرض آزار آفتاب است. این تعریف را پلانی در طرح کمپفر روشن‌تر می‌کند. این پلان تالاری را در جلو عمارت هزارجریب نشان می‌دهد (ت۱۴) ــ تالاری بزرگ و ستون‌دار که از سه جانب باز است. همین ویژگیهای معماری را می‌توان در تالار آینه‌خانه[۶۰] دید، که ساختار چوبی سبك و رفیع آن تضادی زیبا با معماری آجری بنا در پشت تالار به‌وجود می‌آورد. طرح تالار طویله[۶۱] واحد معماری مشابهی را نشان می‌دهد که برای محافظت در برابر تابش آفتاب، سایبانهایش تا فضای ایوان محل جلوس شاه امتداد یافته است. تالار در دربار صفوی بسیار متداول بود و احتمالاً در این دوره [ابداع نشده، بلکه از دوره‌های پیش اقتباس و] دوباره معمول شده بود. کلاویخو[۲۸] در توصیفهای دقیقش از بارهای تیمور گورکانی، از طرحهای چلیپایی کاخها و ایوانها و کوشکهای برپاشده با خیمه و سایبان یاد کرده،[۶۲] اما سخنی از تالار نگفته است؛ در هیچ‌یك از نگاره‌های مطراقچی هم تالاری تصویر نشده است.

(28) Ruy Gonzales de Clavijo

فضای پرستون تالار هرچند ذاتاً تالارهای ستون‌دار هخامنشی را به یاد می‌آورد؛ به علت سبکی کل ساختار،

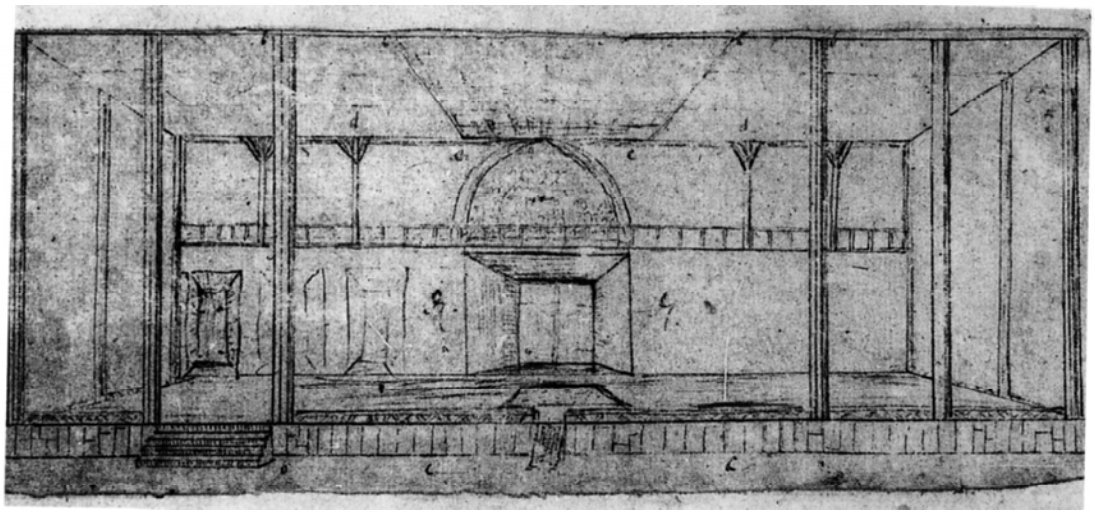

ت۱۹. نمای کوشك واقع در امتداد دیوار شمالی باغ خلوت

تأثیر بصری متفاوتی دارد. ستونهای چوبی هشت‌بهشت و چهل‌ستون و آینه‌خانه ساقه‌های هشت‌ضلعیِ آینه‌کاری شده و سرستونهای مقرنس داشت. تندیس شیرهایی که سرهای‌شان را به جهات مختلف گردانده‌اند پاستونی برای ردیف میانی ستونهای تالار بود. این شیوه به‌روشنی یادآور کهن‌ترین سنتهای ایرانی است. ژرژ پرو[۲۹] با توجه به اینکه استفاده از تیرهای چوبی در معماری هگمتانه الگویی برای تالارهای ستون‌دار هخامنشی بوده است،[۶۳] شباهتهایی میان توصیف پولوبیوس[۳۰][۶۴] و تالار چهل‌ستون می‌یابد. اینکه الگوی تالار صفوی ناشی از توجه به معماری ایران باستان بر اثر تغییر پایتخت بوده باشد، یا رویکرد بیشتر اروپاییان به عتیقات، یا اینکه الگوی عناصری چون تالار صفوی در جای دیگری باشد، موضوعی است که باید بررسی شود.

(29) George Perrot

(30) Polybius

دلاّواله در معرفی تالار به منزلهٔ مهم‌ترین مکان برای بار عام شاه توضیحاتی داده است:

> بزرگان ایران و شاه بار می‌دهند و مذاکره می‌کنند و در دیوان‌خانه‌شان جلوس می‌کنند. آنان تالار بارشان را دیوان‌خانه می‌خوانند، که مکانهایی است رفیع و واقع در میان باغها و حیاطها، که جلوشان تماماً باز است؛ همچون ایوانهای ستون‌دار و رواقهای ما.[۶۵]

ایوان در ادبیات فارسی هم به کاخ دلالت می‌کند و هم به فضایی نیمه‌باز که مهم‌ترین بخش کالبدی کاخ است. با وجود این، معنای معمارانه‌اش تالاری به ارتفاع معادل دو طبقه است که از سه جانب با دیوارهای باربر بسته است و طرف چهارمش باز است. این فضا همواره طاق‌دار است، اما در بسیاری از ایوانها، سقف بر دو یا چند ستون متکی است. در متنِ «در دانستن عمارت و طرح آن» که پیش‌تر یاد شد، واژه‌های طَنَبی و یورد مترادف ایوان به‌کار رفته است. در آنجا آمده است که ایوانهای بزرگ را با طاق آراسته به مقرنس و فیل‌گوش و طاقچه می‌پوشانند. به هر حال، در همهٔ طرحهای کمپفر هرگاه که از ایوان به همین عنوان یاد شده، با طاق رسم شده است.

از زمان اشکانیان، ایوان سیمای اصلی تقریباً همهٔ گونه‌های بنای ایرانی بوده است. ایوان و تالار به سبب ویژگیهای فضایی‌شان، عناصر مسلط در ترکیب‌بندی کوشکهای باغ بود. این فضاهای نیمه‌باز در امتداد محور اصلی باغ قرار داشت.

طرح چهارایوانی‌ای را که در عمارت واقع در دیوار غربی باغ خلوت تصویر شده است (ت۹) می‌توان طرح اصلی کوشك باغ به حساب آورد. این طرح متشکل است از چهار ایوان واقع بر چهار بازوی یك چلیپا، که طاقهای آنها متکی بر عناصر سازه‌ای عمودی و افقی حجره‌های زاویه در دو طبقه است. فضای چهارگوش واقع در وسط این طاقها را با گنبد[۶۶] یا طاقی چهارگوش می‌پوشاندند و بر فراز آن کلاهك نورگیری هرمی می‌نهادند. عمارت اوچی‌مرتبه (در لغت به معنای سه‌طبقه) نیز بر چنین پلانی استوار است (ت۱۰)؛ اما در نمای ترسیمی کمپفر (ت۱۶)، تنوع جالبی در هم‌کناری ایوان سه‌طبقه هست.

یکی از عناصر اصلی طرح انتظام باغهای ایرانی عمارت سردر یا بالاخانه است؛[۶۷] یعنی بنای ورودی‌ای که سیاحان اروپایی آن را «کاخ بالای سردر» یاد کرده‌اند.

بیشتر این بناها پلان چهارایوانی دارند و جبههٔ ورودی آنها را گشوده می‌گذاشتند؛ همچون سردر باغ هزارجریب در اصفهان (ت۱۳). بنا بر این، نمای سه‌بخشی جلوهٔ مشترك این بناها بود. پیِترو دلاّواله می‌گوید همهٔ بالاخانه‌ها را مطابق یك الگو می‌سازند و می‌آرایند.[۶۸] طرح ترسیمی کمپفر از سردر باغ بلبل (ت۱۷) تنوع در پلان عمارتهای سردر را نشان می‌دهد. سردر باغ بلبل از گردشگاه چهارباغْ در آنجا به صورت دو نوع ایوان تصویر شده است که مطابق پلانی دارای فرورفتگی استقرار یافته‌اند. یکی از بالاخانه‌های متقارنی که خیابان چهارباغ را می‌آراسته در عکسی که هولتسر(۳۱) در خلال سالهای ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ برداشته[۶۹] تصویر شده است.[۷۰]

از آنجا که بناهای عالی‌قاپو را به منزلهٔ سردر اصلی دولت‌خانه‌ها می‌ساختند، طرح آنها گونه‌ای پیچیده‌تر از «عمارت سردر» است. مشهورترین عمارت عالی‌قاپو عمارت واقع در اصفهان است. این عمارت شامل بنایی است مکعب‌شکل و پنج‌طبقه که هستهٔ اصلی‌اش مبتنی بر پلانی چلیپایی است، و در جلو آن سردری است که تالاری مشرف بر میدان نقش جهان بر بالای آن است.[۷۱] به نظر هیئت مرمت ایزمئو، این تالار بعداً به کاخ الحاق شده است.[۷۲] منظر ترسیمی هوفستد فان اسن[۷۳] می‌تواند در تعیین تاریخ این الحاق کمك کند؛ چرا که مرحله‌ای از احداث عمارت را پیش از افزوده شدن ستونها [و پس از افزوده شدن قسمت پیش‌آمدهٔ زیر تالار] نشان می‌دهد. شاید تالار از ابداعات شاه عباس اول بوده باشد. عالی‌قاپوی قزوین که متعلق به اوایل دورهٔ صفویه است (ت۶)، تالار ندارد. این عمارت به واسطهٔ ایوانی بر میدان مشرف است که با ایوانهای سه‌طبقهٔ [مجاورش] هماهنگ است و نمایی پلکانی می‌سازد که رانش طاق [ایوان اصلی] را می‌گیرد. تصویری که سردر باغ شاهی کاشان را نشان می‌دهد (ت۱۸) فوق‌العاده جالب است؛ زیرا نماهای سردر در سمت باغ با ایوانی به ارتفاع معادل دو طبقه تصویر شده که سقف آن بر ستونهای چوبی متکی است؛ و نمای خارجی سردر با ایوانهایی دارای طاق دوبخشی.

تلفیق ایوان و تالارْ مضمونی مسلط در ترکیب‌بندی تعدادی از بناهاست، شامل چهل‌ستون و آینه‌خانه و عمارت هزارجریب. پلان عمارت هزارجریب در نقشه‌ای اجمالی از کمپفر (ت۱۴) انگارهٔ اصلی طرح این عمارت را نشان می‌دهد. این انگاره عبارت است از پلانی چلیپایی و چهارایوانی، که کمپفر آن را «عمارت» خوانده، که جلوش «تالار»ی قرار دارد.

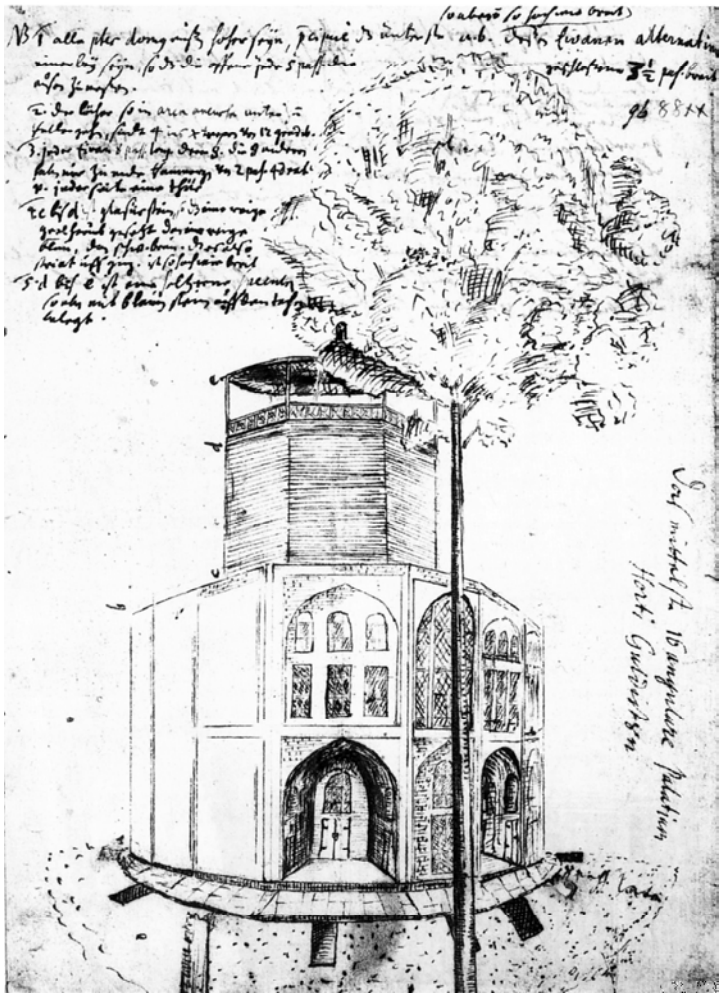

ت۲۰. منظرهٔ کاخ گلدسته که بر فراز آن یك پرواره دیده می‌شود

بنای چهل‌ستون اصفهان از معدود بناهای باقی‌مانده از دولت‌خانه صفوی است، که دامنهٔ تنوع و پیچیدگی فضاها را در طرح نشان می‌دهد. دو ایوان با ستونهای چوبی را به جبهه‌های شمالی و جنوبی هستهٔ مرکزی اولیه‌ای افزوده‌اند. این هسته در جناحهای شمالی و جنوبی‌اش بر پلان چلیپایی مبتنی است. جبههٔ شرقی با حجره‌هایی دوسویه و یك شاه‌نشین رو به تالار [ستون‌دار]، تفصیل بیشتری یافته است.

روش غیرمعمول ترکیب‌بندی تالار و ایوان را می‌توان در طرح کوشك واقع در ضلع شمالی دیوار باغ خلوت دید (ت۱۹). تالار تمامی نمای کوشك به سمت باغ خلوت را اشغال کرده و متکی بر هشت ستون بزرگ در

(31) Holtzer

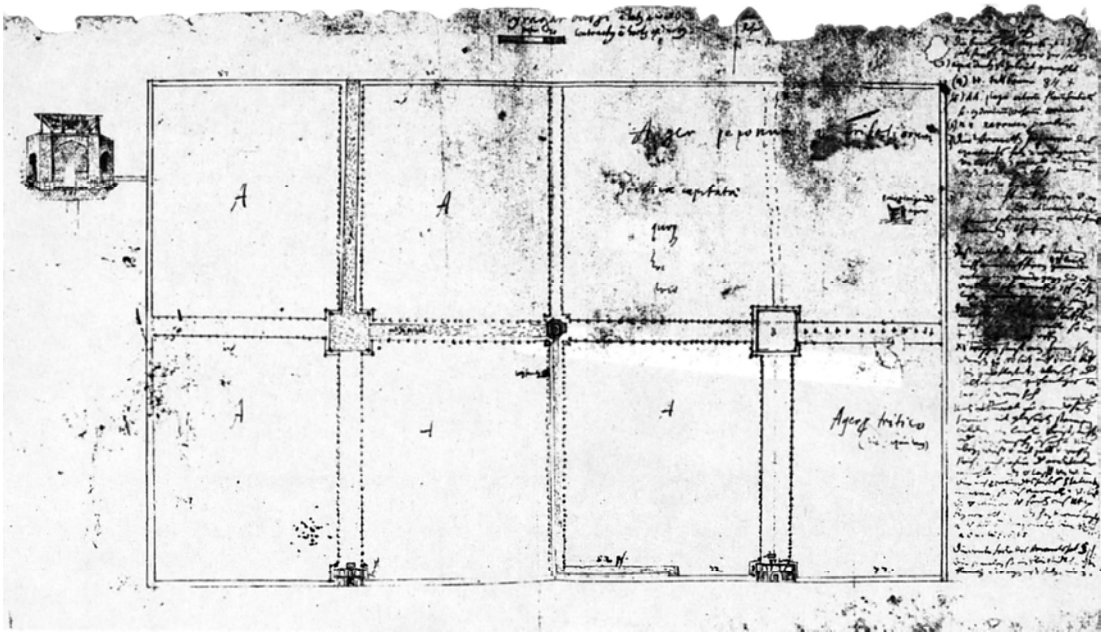

ت۲۱. منظرهٔ عمارت باغ میرآخورباشی

سه جبههٔ بازِ تالار و شش ستون فرعی در بالای دیوار پشتی است. در اینجا سطحه‌ای نیم‌طبقه، تالار را از ایوانی مشرف بر باغ چهل‌ستون جدا می‌کند.

پلان اصلیِ چلیپایی مبنا را در گونه‌ای به‌کار برده‌اند که در آن، حجره‌های زاویه گوشه‌های‌شان پخ می‌خورد و موجب می‌شود فضای میانی هشت‌گوشی پدید آید که برای طاق گنبدین مناسب‌تر است. این طرح در عمارت جهان‌نمای شیراز[۷۴] و فرح‌آباد و در کوشك پیچیدهٔ دولت‌خانهٔ اصفهان، یعنی هشت‌بهشت، به کار رفته است. هشت‌بهشت اصفهان[۷۵] هنوز پا برجاست و بر زیبایی و بداعت این گونه کوشك، که در باغها بسیار متداول بوده است، صحه می‌گذارد. در هشت‌بهشت، هستهٔ اصلی مبتنی بر پلان چهارایوانی است که در آن، حجره‌های زاویه به صورت هشت‌گوشهایی طراحی شده که ایجاد ایوانهایی در اندازه‌های مختلف را، بسته به شیوهٔ اتصال آنها با اتاقهای گوشوار،[۷۶] ممکن کرده است.

هشت‌بهشت اوزون حسن (حک ۸۷۳–۸۸۲ق / ۱۴۶۸–۱۴۷۸م) در تبریز هم، بنا بر توصیفهای یوزافات باربارو[۷۷(۳۲)] و نگاره‌ای که مطراقچی کشیده، چنین طرحی داشته است و معلوم می‌کند که گونه‌ای به نام «هشت‌بهشت» پیش از آن تعریف شده بوده است. عمارت گلدسته[۷۸] که پلان و نمای آن در نقشه‌های کمپفر ترسیم شده (ت۲۰)، صورتی از کوشك هشت‌ضلعی، با شانزده وجه است، به‌نحوی که فضای میانی‌اش از طریق هشت ایوان، با فضاهایی فرعی در میان هر دو ایوان، به بیرون می‌نگرد. [در حجم بیرونی بنا] هستهٔ میانی هشت‌گوش کوشك از بالای ایوانها بیرون زده و صورت کلاه‌فرنگی‌ای با سقف چوبی دارد. مضمونِ قرار دادنِ بنایی سبك بر روی پایه‌ای سنگین به‌نوعی مشابه قرار دادن تالاری در جلو بناست. همین مضمون در کوشك میانی باغ میرآخورباشی (ت۲۱) در کنار گردشگاه چهارباغ در اصفهان نیز حضور دارد. این کوشك بر پایهٔ سنگین هشت‌ونیم‌هشت مبتنی بود که در آن، «پرواره»ای[۷۹] چوبی بر روی فضای چهارگوش مرکزی کوشك قرار داشت.

کوشکهای هشت‌گوش کوچك‌تر را که از همهٔ جهات باز بود و سقفی مسطح داشت، مانند کوشك مجاور استخر[۸۰] در باغ هزارجریب اصفهان (ت۲۲)، برای استفادهٔ افرادی اندك منظور می‌کردند. گاهی چنین کوشکهایی را در میان استخری بزرگ می‌ساختند. گونه‌ای دیگر از کوشك که در نقشه‌های کمپفر «خرگاه»[۸۱] نامیده شده («می‌توان گفت بنایی است گنبدین که شکلش مطابق نیاز تغییر می‌کند»)[۸۲]، روشی جالب از به‌کارگیری بناهای سبك و سنگین را نشان می‌دهد. در نقشهٔ کمپفر (ت۲۳)، بر روی پایه‌ای هشت‌گوش مرکب از قوسهای بزرگ در همهٔ جوانب، سازه‌ای چوبی قرار دارد و بر این سازه، خیمه‌ای عظیم افراشته‌اند.

(32) Josafat Barbaro

مطالعهٔ نقشه‌های کمپفر از گونه‌های کوشك در دورهٔ صفوی مجال این نتیجه‌گیری را می‌دهد که هرچند بناهای باغ عمدتاً مرکب از فضاهایی نیمه‌باز بوده‌اند، از نظر اندازه و شکل و مصالح اقسام متنوعی داشته‌اند. باید نقشه‌های کمپفر از باغها و کاخهای شاهی را تحلیلی جامع‌تر کرد؛ اما در این مرحله فرضیاتی را می‌توان مطرح کرد. نقشی که میدان و خیابان چهارباغ به ترتیب در ربط با مجموعهٔ دولت‌خانه و باغهای حومه داشتند، به‌کفایت در اسناد و مدارك روشن شده است. این فضاها به واسطهٔ ابعاد و کالبد و شیوه‌های معمارانه‌شان در نماسازی، در بافت شهری نقشی ساختاری داشتند و صحنه‌ای برای نمایش شکوه و جلال دربار پدید می‌آوردند.

از لحاظ اصول ترکیب‌بندی، باید تصور قالبی متداول را در زمینهٔ پیروی شدید از اصل تقارن با محورهای معین و خشك در طرح انتظام بناها را اساساً اصلاح کنیم. در حقیقت، تحلیل دقیق نقشه‌ها به ما امکان می‌دهد که نوعی گرایش به وزن و ضرباهنگ، تقارن موضعی، سلسله‌مراتب، تشخّص محورها، به‌علاوهٔ وقوع برخی بی‌نظمیها را در بناها تشخیص دهیم. این گرایش، از سلیقه‌ای خاص در علاقه به مناظر بدیع حکایت می‌کند که در معماری ایرانی نهفته است. این تحلیل توضیح می‌دهد که چگونه طرح با وضع موجود زمین، چه از نظر ارتباط با بافت شهری و چه وضع توپوگرافی، انطباق یافته و چگونه در طی زمان دستخوش تغییرها و الحاقها شده و در نتیجه، گونه‌ای از بنا پدید آمده که از الگوی انتزاعی بسی دور است. از آنچه تا کنون از تحلیل اسناد به دست آمد، می‌توان فرض کرد که نامهای باغها و کوشکهایی که به‌کرّات به‌کار رفته بر وجود گونه‌هایی خاص دلالت می‌کند. باغ تخت و چهارباغ و خیابان چهارباغ و چهل‌ستون و هشت‌بهشت و عالی‌قاپو را می‌توان از این قبیل دانست. به هر حال، لازم است که این فرضیه با شواهدی بیشتر تأیید و تحکیم شود.

رویکردی جدید در تحقیق در این موضوعات و دیگر مسائل این است که در منابع تصویری‌ای که تا کنون از نظر محققان پنهان مانده به جستجوی شواهد برآییم؛ خصوصاً طرحهای اصلی در سفرنامه‌های سیاحان اروپایی که نسخه‌های چاپی‌شان معروف است، لیکن هنوز این شواهد را باید در منابع موثّق نسخ خطی آنها جست.□

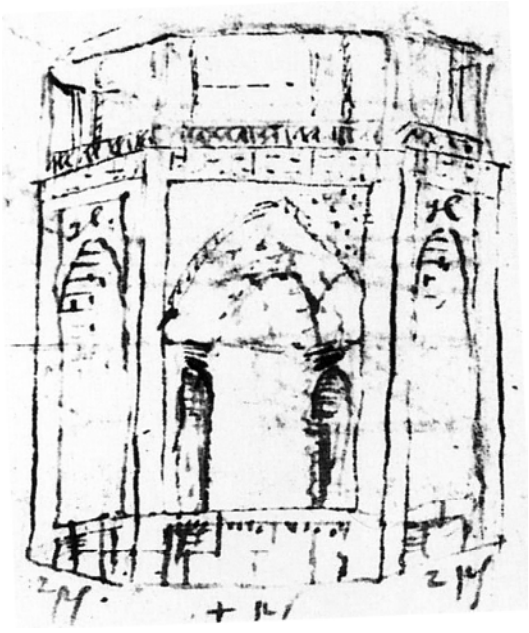

ت۲۲. باغ هزارجریب، کوشك هشت‌ضلعی با دریاچه‌ای مصنوعی

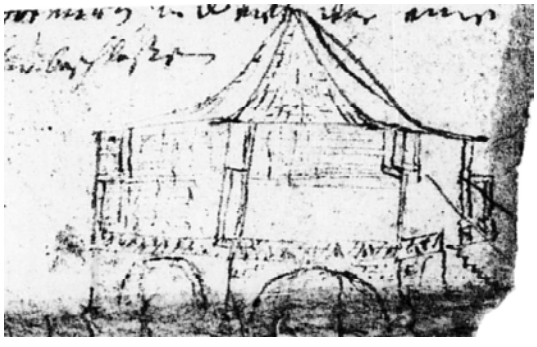

ت۲۳. خرگاه، ساختمانی هشت‌ضلعی با خیمه‌ای بر روی آن

کتاب‌نامه

آریانپور، علیرضا. *پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران و باغ‌های تاریخی شیراز*، تهران، ۱۳۷۵.

اسکندربیگ ترکمان. *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تهران، تصحیح ایرج افشار، ۱۳۶۴.

جابری انصاری، میرزا حسن‌خان. *تاریخ اصفهان و ری*، تهران، ۱۲۹۳.

شفقی، سیروس. *جغرافیای اصفهان*، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ش ۱۴۴ (۱۳۵۱).

مطراقچی، نصوح صلاح. *بیان منزل سفر عراقین سلطان سلیمان‌خان*، آنکارا، ۱۹۷۶.

هولتسر، ارنست. *ایران در ۱۱۳ سال پیش*، به کوشش محمد عاصمی، تهران، ۱۹۷۶.

یزدی، شرف‌الدین علی. *ظفرنامه*، تهران، ۱۳۳۶.

Alemi, Mahvash. "I giardinireali di Ashref e Farahabad," in: *Il Giardino islamico*, ed. Attilio petruccioli, Milan, Electa, 1994.

Persia, London, 1892, rpt., Tehran, 1976.

Pope, Arthur Upham. "A Sasanian Garden Palace," in: *Art Bulletin* 15 (1933), pp. 75-85.

Sarre, Frederick. *Denkmäler presischer Baukunst*, Berlin, 1910.

Stronach, David. "Čaharbag," in: *Encyclopedia Iranica*, ed. Ihsan Yarshater, London and New York, 1989.

———. "Excavations at Pasargadae, Third Preliminary Report," in: *Iran: Journal of the British Institute of Persian Studies*, no. 3 (1965).

———. "the Royal Garden at Pasargadae : Evolution and Legacy," in: *Archaeologia Iranica et Orientalis miscellanea in honorem Louis Vanden Berghe*, Ghent, 1989, pp.475-502.

———. "The Royal Garden," in: *Pasargadae, a Report on the Excavations Conducted by the British Institute of Persian Studies from 1961 to 1963*, Oxford, 1978.

Texier, Charles. *Description de l'Armenie, de la perse, et de la mesopotamie,* Paris, 1842-52, 2 vols.

Valle, Pietro della. MS. Biblioteca Apostolica Vaticana, Cod. Ottob. Lat. 3382.

Wilson, Ralph Pinder. "The Persian Garden: Bagh and Chahar Bagh," in: *The Islamic Garden*, ed. Elisabeth B. MacDougall and Richard Ettinghausen, Washington, D.C., Dumbarton Oaks, 1976.

پی نوشت ها

۱. مهوش عالمی تحصیل خود را در رشتهٔ معماری در دانشگاه تهران شروع کرد. بعد از یکی دو سال، برای ادامهٔ تحصیل به ایتالیا رفت و به مدت هشت سال در نزد کوارونی، استاد برجستهٔ ایتالیایی، به تحصیل معماری پرداخت. سپس به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۵۸ در دانشگاه تهران مشغول به تدریس معماری بود. در این سال به ایتالیا بازگشت تا تحصیل خود را در دورهٔ دکتری در خصوص باغ ادامه دهد. در آن زمان دورهٔ دکتری در موضوع باغ برای اولین بار در دانشگاه ونیز ایتالیا تشکیل شده بود. او اکنون به تحقیق و فعالیت معماری مشغول است. ـــ و.

۲. این مقاله ترجمه‌ای است از:
Mahvash Alemi, "The Royal Gardens of safavid Period: Types and Models", in: *Gardens in the Time of the Great Muslims Empires*, ed. Attilio Petruccioli, Leiden, Brill,1997,pp.72-93.

۳. عضو هیئت علمی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و دانشجوی دورهٔ دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی دانشگاه تهران

۴. شایان ذکر است که کاخ کوروش در پاسارگاد قرار دارد و مجموعهٔ تخت جمشید از زمان داریوش اول به بعد، یعنی پس از کوروش و جانشینش کمبوجیه، برپا شد.ـــ م.

5. Petrus Bedik,*Cehil Sutun: seu explicatio utriusqe celeberrimi an pretiosissimi, theatri quadraginta columnarum in preside Orientis*.

6. Charles Téxier, *Description de l'Armenie, de la perse, et de la mesopotamie*, vol.2, pp.124, 119.

7. David Stronach, "Čaharbag"; idem, "The Royal Garden", p.107 , fig.48; idem, "the Royal Garden at

———. "Ilygiardino persiano: tipi e modelli," in: *Il Giardino islamico*, ed. Attilio Pettrucioli, Milan, Electa, 1994.

Bedik, Petrus. *Cehil Sutun: seu explicatio utriusqe celeberrimi an pretiosissimi, theatri quadraginta columnarum in preside Orientis*, Vienna, 1678.

British Museum Quarterly 18, 1 (March 1953).

Bruin, Cornelis de. *Voyage de Corneille le Brun par la Mascovie en Perse et aux Indes Orientales*, Amsterdam, 1718.

Chardin, Jean. *Voyages du Chevalier Chardin en Perse et autres lieux de l'Orient*, Paris, 1811.

Clavijo, Ruy Gonzales de. *Embassy to Tamerlane 1403-1406*, transl. Guy le Strange, London, 1928.

Coste, Pascal. *Monuments modernes de la Perse*, Paris, 1867.

Galdieri, Eugenio. "Two Building Phases of the Time of Shah Abbas I in the Maydane-i Shah of Isfahan," in: *East and West*, N.S. 20, 1-2(1970).

———. "Les palais d'Isfahan," in: *Iranian Studies* 7, 3-4 (1974).

———. "Relecture d'une gravure allemande du XVIIème siècle comme introduction a une recherché archéologique," in: *Archaeologische Mitteilungen aus Iran 6, Akten des VII. internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archäologie München 7-10 September 1976*, Berlin, Dietrich Reimer Verlag, 1979, pp.560-570.

Grey, C. (ed.). "The Travels of a Merchant in Persia," in: *A Narrative of Italian Travels in Persia in the Fifteenth and Sixteenth Centunies*, London, Hakluyt Society, 1873.

Hoffmann, Birgit. "Boyutat-I saltanati," in: *Encyclopedia Iranica*.

Ms Sloane 2907, Indian Office Library, British Library.

MS Sloane 2910, Indian Office Library, British Library.

MS Sloane 5232, Indian Office Library, British Library.

MS Sloane 5234, Indian Office Library, British Library.

Kaempfer, Engelbert. Amoenitatum Exoticarum politico-physicomedicarum fasciculi v quibus continentur variae relationes…, Lemgo,\1712, rpt. Tehran, 1976.

———. *The History of Japan Together with a Description of the Kingdom of Siam*, transl. G. Scheuchzer, London, 1727, 2 vols.

———. *Werk und Wirkung, Vortrage der Symposien in Lemgo (19-22.9.1990), und in Tokyo (15-18.12.1990)*, ed. Detlef Haberland, Stuttgart, F. Steiner, 1993.

Meier-Lemgo, Karl. *Engelbert Kaempfer: Leben, Reisen, Forschungen nach der bisher unveroffentlichtenHandschriften Kaempfers imBritischen Museum bearbeit*, Stuttgart, 1937.

Parrot, George and Charles Chipiez. *History of Art in*

Pasargadae: Evolution and Legacy", pp.475-502; idem, "Excavations at Pasargadae, Third Preliminary Report".
اینکه واژهٔ «چهارباغ» به گونهٔ خاصی از باغ با پلان چهار قسمتی اطلاق می‌شده است یا نه جای سؤال دارد . در مقاله‌ای در نشریهٔ Environmental Design, no.1 (در سال ۱۹۸۶) به استناد مطالبی که در رسالهٔ *ارشاد الزراعه* دربارهٔ باغهای گونهٔ چهارباغی آمده، ارتباط اصطلاح چهارباغ با پلان چهارقسمتی را رد کرده‌ام.

8. Ralph Pinder Wilson, "The Persian Garden: Bagh and Chahar Bagh".

۹. برای یافتن طرحهای مستند و مقیاس‌دار، باید به طرحهای سیاحان قرن نوزدهمی‌ای چون کر پورتر، معماران فرانسوی تکسیه و کوست، یا آثار نقاشانی مانند اوژن فلاندن و ژول لورانس مراجعه کنید.

۱۰. برخی از این مستندات اخیراً در این مقاله به چاپ رسیده است: Mahvash Alemi, "Ilygiardino persiano: tipi e modelli".

11. Karl Meier-Lemgo, *Engelbert Kaempfer: Leben, Reisen, Forschungen nach der bisher unveroffentlichtenHandschriften Kaempfers im Britischen Museum bearbeit*; Engelbert Kaempfer, *The History of Japan Together with a Description of the Kingdom of Siam*; Detlef Häberland (ed.), Engelbert Kaempfer, *Werk und Wirkung, Vortrage der Symposien in Lemgo*.

12. Engelbert Kaempfer, *Amoenitatum Exoticarum politico-physicomedicarum fasciculi v quibus continentur variae relationes*..., p.179.

۱۳. کمپفر در مواردی که به احوال ایرانیان مربوط بود، در تحقیق خود از پدر دومان، رئیس صومعهٔ کاپوسنها در اصفهان کمك بسیار گرفت. او سی سال در سمت مترجم در خدمت دربار ایران بود و زبان فارسی می‌دانست و در آن زمان، هیچ اروپایی به اندازهٔ او دربارهٔ آداب و رسوم ایرانیان اطلاعات نداشت. در میان دست‌نوشته‌های کمپفر در موزهٔ بریتانیا، این نوشته‌ها از رافائل دومان هست:
"Descriptio persis comunicata duo Engelberto Kampfero Ispahan 1684, cum grammaticalLingua turcica"; "Relatione del Clarissimo Vincentio Alessandri Ambasciatore al Re di Persia per la Ser. ma Republica di Venetia".

۱۴. برای ماجرای اینکه سر هانس اسلون چگونه این دست‌نوشته‌های کمپفر را به‌دست آورد، نك:
British Museum Quarterly 18, 1 (March 1953).

15. MS Sloane 5232, fol.38;
اندازه‌ها در کنار خطوط نقشه نوشته شده و مبدأ آنها از نقاط گوناگونی است که در بالای نقشه با حروف مشخص و فهرست شده است. در MS Sloane 5232, fol.38v فهرست دیگری از همان اندازه‌گذاریهاست که نقاط را مشخص می‌کند.

16. Istituto Italiano per iI Media ed Estremo Oriente
مؤسسهٔ ایتالیایی خاورمیانه و خاور دور.ـــ و.

17. Eugenio Galdieri, "Les palais d'Isfahan", pp.3-4.

۱۸. بنا به نوشتهٔ میرزا حسن‌خان جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری، ص۳۳۵، قسمت غربی این میدان در زمینی به نام باغ نقش جهان ساخته شد، و عالی‌قاپو بر اثر الحاقی جدید روی بنایی تیموری، متعلق به همین باغ، به‌وجود آمد.

۱۹. کمپفر در دیباچهٔ کتابش *Amoenitatum Exoticarum*، گفته که اندازه‌گیری با مقیاس گام صورت گرفته و توضیح داده است که هرچند گامهای او اندازهٔ کاملاً یکسانی ندارد، به‌تقریب هرگامش معادل دو پای هندسی است.

۲۰. در دورهٔ صفویه برای تقسیم آب زاینده‌رود در سطح شهر اصفهان، با ابتکار شیخ بهایی نهرهای متعددی از رودخانه منشعب کردند که مردم اصفهان به آنها مادی می‌گویند. مادیها آب مورد نیاز شهر را در محلات مختلف اصفهان تقسیم می‌کرد. تعدادی از معروف‌ترین مادیها که هنوز هم جاری‌اند عبارت‌اند از: مادی فَدَن، مادی نیاصَرم و مادی فرشادی.ـــ م.

۲۱. از طرح دولت‌خانه این‌طور برمی‌آید که کمپفر متوجه موازی نبودن خیابان چهارباغ با میدان نقش جهان نشده بوده. البته در کنار نقشه اشتباه خود را با نوشتن جهت جنوب- جنوب غربی برای خیابان جبران کرده است. با وجود این، در پرسپکتیو میدان و در دورنمای دولت‌خانهٔ اصفهان (planographia sedis regia)، خیابان در جهت صحیح نشان داده شده است. این اشتباهی بود که زیاد اتفاق می‌افتاد و در پلانی که کوست از همین قسمت ترسیم کرده نیز دیده می‌شود.

۲۲. نقشه‌ای که سلطان سیدرضاخان در مقیاس ۱:۴۰۰۰۰ از اصفهان برداشت، در سال ۱۳۰۲ق به چاپ رسید.

23. Pascal Coste, *Monuments modernes de la Perse*.

۲۴. از مقایسهٔ این سازمان‌دهی فضایی با پلانهای بازسازی‌شده براساس بقایای کاخهای دورهٔ ساسانی که بر ترکیب محوری مبتنی است، معلوم می‌شود که طرح انتظام کلی دولت‌خانهٔ اصفهان بسیار آزادتر است.

۲۵. نمونه‌ای شاخص در این زمینه مسجد جامع است که در حیاط میانی آن، نظم در محورهای تقارن آشکار شده؛ اما دیوارهای بیرونی‌اش تابع شکل هندسی خاصی نیست و سردرش تنها عنصر برجستهٔ معماری است که نمایی رو به بیرون دارد.
[مترجم در سمت باستان‌شناس عضو هیئت مشترك ایرانی- ایتالیایی ایزیائو (ISIAO) است، که از زمستان ۱۳۷۹ کار خود را به منظور ادامهٔ مطالعات باستان‌شناسی مسجد جامع اصفهان از سر گرفته است. در این همکاری، این توفیق دست داد که دربارهٔ توضیح نویسنده در پی‌نوشت مزبور، با زنده‌یاد آقای پروفسور اومبرتو شراتو (Umberto Scerrato) سرپرست این هیئت گفتگون کند. او که به مدت هفت سال (۱۹۷۱-۱۹۷۹) در این مسجد کاوشهای دامنه‌داری انجام داده و سی سال از زندگی خود را در مطالعه و تحقیق در این بنا صرف کرده بود، با این نظر خانم عالمی مخلف بود و به مترجم چنین گفت: «باید به این نکته توجه داشت که مسجد جامع اصفهان یکی از آثار ارزنده معماری اسلامی است که تداوم این هنر را در طول دوران اسلامی نشان می‌دهد. این مسجد طی چند دوره، تغییراتی عمده به خود دیده، به‌طوری که در هر دوره بخشهای متعددی به آن اضافه شده است. شکل‌گیری ابعاد نامنظم بیرونی آن به علت تبعیت از بافت شهری پیرامون است، بدین ترتیب که در دوره‌های مختلف به‌تدریج این بخشها بصورت ملحقات به پلان اصلی اضافه شده است. ضمناً مسجد جامع، با توجه به اینکه در مرکز اصفهان قبل از دورهٔ صفویه قرار داشته، بر حسب نیاز چندین ورودی داشته و و ورودیهایش صرفاً به یك سردر با نمای برون‌گرا محدود نمی شود. یکی از این ورودیها به کاخ شاه، که در مجاورت مسجد قرار داشته، و بقیه به چند محله در اطراف مسجد مرتبط می‌شده است؛ و در همهٔ آنها برون‌گرایی با نماسازی و تزیین به چشم می‌خورد.»
از شادروان پروفسور شراتو، که افزون بر این راهنمایی ارزنده و راهنماییهایی دیگر دربارهٔ مطالب مندرج در این مقاله، مترجم را در برگردان قسمتهای لاتینی متن یاری کردند، قدردانی می‌کنم.]

26. Birgit Hoffmann, "Boyutat-i saltanati".
بیوتات در دورهٔ صفویه به بخشی از مجموعهٔ شاهی گفته می‌شد که شامل «کارخانه»ها بود. کارخانه‌ها همهٔ اقسام خدمات دربار را بر عهده داشتند.

۲۷. «میدان» واژه‌ای پهلوی است که امروزه به برخی اماکن عمومی شهری گفته می‌شود؛ اما عموما به محوطه‌های وسیعی برای اسب‌دوانی و بازی چوگان اطلاق می‌شد. میدان واحد اندازه‌گیری مسافت برابر یك‌سوم مایل نیز بود.

28. MS Sloane 5232, fol. 36:
برخی از این باغها و خیابان چهارباغ با مداد مشخص شده است؛ جهت چهارباغ صحیح می‌نماید. از اینجا معلوم می‌شود که این طرح را از بالای رواقهای ضلع شرقی میدان کشیده است.

۲۹. اسکندربیگ ترکمان در تاریخ *عالم‌آرای عباسی*، در میان کارهای

شاه عباس از ساخت مسجدی در جنوب میدان نقش جهان و مسجدی دیگر روبه‌روی درگاه دولت‌خانه؛ مدرسه؛ دارالشفاء؛ حمامات؛ قیصریه؛ بازارگاهی دور تا دور میدان، با بالاخانه؛ کاروان‌سراها؛ درگاه پنج‌طبقهٔ دولت‌خانه، خلوت‌خانه‌های زرنگاری به نامهای سروستان و نگارستان و گلدسته؛ عمارتی پنج‌طبقه؛ حوض‌خانه‌ها؛ و خیابانی به‌نام چهارباغ به طول تقریبی یك فرسخ، با باغات و بساتین در دو سوی آن خیابان، و عمارتهای باشکوه در هر کدام از باغها، نام می‌برد. پلی چهل‌چشمه در وسط خیابان بر روی زاینده‌رود بود.

۳۰. فواصل بین عمارت سردر با مقیاس گام در قسمت بالای سمت چپ این نقشه درج شده است. تعداد طاق‌نماهای منظم بین سردرها نیز در بالای هر قسمت از رواق در پرسپکتیو ذکر شده است. اشیای خرد و انسانها و جانوران از کاربرد این فضا برای بازیهای گوناگون حکایت می‌کند.

۳۱. نصوح صلاح مطراقچی، بیان منزل سفر عراقین سلطان سلیمان‌خان، برگه‌های ۲۷ب و ۲۸ الف از نسخه اسلون ۵۹۶۴، تبریز را نشان می‌دهد که در آن، در سمت چپ رودخانه، باغ شاهی با کوشك هشت‌بهشت در مرکزش به‌خوبی در کنار میدان صاحب الامر مشاهده می‌شود.

۳۲. در اشرف میدانی بود که به منزلهٔ جلوخان مجموعهٔ شاهی عمل می‌کرد. در فرح‌آباد میدانی همانند میدان شاه اصفهان با رواقهایی دارای مغازه، مسجد، کاروان‌سرا، مدرسه، و سردر باغهای شاهی بود. برای بازسازی تصویری این میدانها، نك:
Mahvash Alami, “I giardinireali di Ashref e Farahabad”.

۳۳. نام بیشتر این باغها در متون تاریخی ذکر شده؛ ولی با مراجعه به نقشهٔ MS Sloane 5232, fol.425 می‌توان جای هر باغ را هم شناخت، زیرا در این نقشه، نام هر باغ را بر روی آن نوشته‌اند. ولی در طرح برگه ۴۲۵ مجموعه اسلوان شماره ۵۲۳۲، جانمایی هر باغ به علت درج نام بر روی آنها، میسر است. با کمك اطلاعات ارزشمند جابری در *تاریخ اصفهان و ری*، می‌توان مطالعات جامع‌تری دربارهٔ توسعهٔ این قسمت از بافت شهری انجام داد.

۳۴. برای مشاهدهٔ تصویر این کوشك، نك:
Frederick Sarre, Denkmaler presischer Baukunst (Berlin, 1910), pl. 70.
بنا به نوشتهٔ شیخ جابری در تاریخ اصفهان و ری، ص۳۵۳، این عمارت را بانوی عظمی، خواهر ظل‌السلطان، ویران کرد.

35. Ms Sloane 5232, fol.39.

36. Ms Sloane 2910, fol.102.
به نوشتهٔ جابری در *تاریخ اصفهان و ری*، ص۳۵۵، این باغ را که مساحتش ششصد ذرع بود، به شخصی به‌نام میرزا احسان‌الدوله واگذار کردند و کارخانه‌ای آلمانی در آنجا برپا شد.

۳۷. دو نقشهٔ کمپفر که دورنما به سمت شمال و جنوب چهارباغ را نشان می‌دهد:
Ms Sloane 5232, fol.39.

38. Cornelis de Bruin, *Voyage de Corneille le Brun par la Mascovie en Perse et aux Indes Orientales*.

۳۹. با مقایسه پلان کمپفر و پلان پاسکال کوست از چهارباغ، می‌توان تغییرات را طی فاصلهٔ ۱۵۰سالهٔ بین دو سیاح مشخص کرد. کوست پلانی موضعی با جزئیات و مقطع این گردشگاه را در محدودهٔ مدرسهٔ مادرشاه نیز ارائه کرده است.

40. MS Sloane 2910, fol.91.
نسخه خطی‌اش در موزه بریتانیا به این نام نگهدار می‌شود:
“Miscellanea de rebus asiaticis e mss Kaempfer.”

41. Ms Sloan, 2910 fol. 86v.

42. MS Sloane 2910, fol.92.
این باغ که به امین‌التجار واگذار شده بود، محوطه‌ای به مساحت ۳۰۰۰۰ ذرع داشت.ـــ جابری، تاریخ اصفهان و ری، ص۳۵۷.

۴۳. در میان آثار صفوی که در پی حفاریهای هیئت ایزمئو در اصفهان کشف شد، یك ساختمان چهارایوانی در امتداد دیوار شرقی باغ بلبل بود که با پلان ترسیمی کمپفر از دروازهٔ باغ بلبل مطابقت دارد:
MS Sloane 2912, fol.93.
نك:
Galdieri, “Relecture d’une gravure allemande du XVIIème siècle comme introduction a une recherché archéologique.”

44. MS Sloane 5234, fol.7.
این نسخهٔ خطی طرحهای متفرقهٔ هوفستد فان اسن و دکتر ادوارد براون (Miscellaneous Drawings by G. H. Van Essen and Dr. Edward Browne) نام‌گذاری شده است. در شرح تصویر، آن را باغ فردوس یاد کرده‌اند، که تخت قره‌چه نیز خوانده می‌شد.

۴۵. اصطلاح «تخت» هم به سطحه یا تختان یا مکانی مسطح گفته می‌شود و هم به کرسی شاهی.

۴۶. باغ تخت واقع در ابتدای خیابان چهارباغ استثناست.

۴۷. علیرضا آریانپور، *پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران و باغ‌های تاریخی شیراز*، ص۲۲۶.

۴۸. شرف‌الدین علی یزدی، *ظفرنامه*، ج۲، ص۱۸.

49. MS Sloane 5232, fol.45v.
عنوان این نسخه نقشه‌های اصلی دکتر انگلبرت کمپفر ترسیم‌شده به دست خودش و تهیه‌شده در مسافرتهایش در مسکو و ایران و هند شرقی (*Original Drawings of Dr. Engelbert Kaempfer Drawn by Himself and Collected in His Travels through Moscovy, Persia and the East Indies*) است.

50. Kaempfer, *Amoenitatum Exoticarum*, pp.192-195.

51. Ms Sloane 2907,fol. 97v.

52. Ms Sloane 5232, fols. 45(left), 43, 45(right), 40, 42, 42v.

53. Pietro Della Valle, MS. Bibliotheca Apostolic Vaticana , cod .Ottob .lat . 3382,fol. 262.

54. Kaempfer, *Amoenitatum Exoticarum*, p.173: “velut sub viridi porticu”.

۵۵. در شیراز و تبریز و قزوین ساختارهای مشابهی بود، سیروس شفقی، جغرافیای اصفهان، ص۲۵۹. چهارباغهای دیگری در شهرهای بلخ، اندجان، کندوز، مشهد، و بخارا و همچنین اصفهان بود؛ اما به‌جز اصفهان، معلوم نیست منظور از آنچه در متون «چهارباغ» خوانده شده باغ چهارباغ است یا خیابان چهارباغ.

۵۶. راستهٔ مصلا خیابان مستقیمی بود که از تنگ الله‌اکبر به شیخ میرعلی حمزه امتداد می‌یافت. در این خصوص، نك:

Jean Chardin, Voyages du Chevalier Chardin en Perse et autres lieux de l’Orient, vol.18, p.416:
“La porte de la Ville méne en une rue qu en est le plus bel endroit etant longue et droite, large de 50 pas bordee des Cotes de jardins de deux cents pas de face, don t les entrees sont de grands portails fait en demi-dome, avec de pavilion au dessus,Vis à Vis L’un de L’autre, et repondent L’un a L’autre en symetrie et en grandeur. Le milieu de la rue est marque par un grand basin carre don’t les bords sont de marbre toujours plein d’eau lequel a 40 pas de face , autant que la rue a de largeur, de manière qu’on ne pourroit passer aux cotes netoit que les deux pavilions qui sont vis à vis du bassin se retirent trente pas en dehors pour laisser le passage. Cette belle rue est terminée par un bazar assez long qui aboutit au maydan. qui est la place publique.”

57. Pietro della Valle, Biblitheca Apostolica Vaticana, Cod. Ottob.Lat. 3382, fol. 284.

58. Raphael du Mans, *Description persis*: "Il font encor des grands tâlârs, qui sont les lambris de plafond de menuiserie par petits compartimens fort bien travaillés, le tout soutenu par de grandes colonnes ou piliers do bois à pans, faicts avec le rabot d'une egale grosseur; il n'Y a point de difference de la base du tronc et de 1'entablement,sinon qu'a ce dernier lis atachent divers-es pieces de lattes en forme de moulures et corniches, qui debursient faire un sixième ordre de colonnes…dans le milieu du ce terrain est d'ordinaire un basin d'eau, hause, fait de marbre blanc."

59. "Knowing the Building and Its Design", Indian Office Library, Bibl. Sloane 4095, fol.7Aa, *"Dar dâni-stan-i imârat va tarh-i ân"*.

۶۰. نك: تصویر آن در:
Pascal Coste, Monuments modernes de la Perse.

61. Ms Sloane 2923, fol. 97.

62. Ruy Gonzales de Clavijo, *Embassy to Tamerlane 1403-1406*.

63. George Perrot and Charles Chipiez, *History of Art in Persia*.

۶۴. مورخ یونانی (ح ۲۰۰–۱۱۸ق‌م) که کتابی مفصل و معروف در تاریخ روم نوشته است.ـــ و.

65. Pietro della Valle, Bibliotheca Apostolica Vaticana, Cod.Ottob lat.3384, fol. 6.

۶۶. این گونه شیوه‌ای تکامل‌یافته از تخت‌نشین یا چهارطاق ساسانی را تداعی می‌کند که پلانی چهارگوشه دارد و سقف آنها بر جرزهای گوشه ها استوار است.

۶۷. «بالاخانه» در لغت به معنای خانهٔ فوقانی است که قطعاً ریشهٔ واژهٔ balcony است. غرفهٔ علیا، اتاق بالایی یا برواره، پرواره، اتاق تابستانی یا غرفهٔ بالای خانه از مترادفهای آن است. بالاخانه در معنای وسیع‌تر، هر فضای باز روی طبقه همکف است، مانند فضایی که در طبقهٔ بالای خانه‌های سواحل دریای خزر است. پیترو دلاواله چنین توضیحاتی می‌دهد: «اتاقی کوچك، یا بهتر بگویم مهتابی‌ای را که از هر سو باز است و برابر قامت یك انسان بالاتر از طبقهٔ همکف ساخته می شود، به‌طوری که برای رسیدن به آن باید از پلکان استفاده کرد و مسقف نیز است، در اینجا بالاخانه می‌خوانند. {...} در تابستان از آن برای پذیرایی مهمان استفاده می‌کنند و مکانی خنك هم برای خوابیدن است.»ـــ
Pietro Della Valle, Cod. Ottob.Lat, 3382, fol. 275v.

68. Pietro Della Valle, Cod. Ottob.Lat, 3382, fol. 262:
«در باغی در {...} تاج‌آباد، اتاقکی هست که از نظر سازه و مشخصات با ورودی خانه شاهی در اصفهان که قبلاً تشریح کردم یکسان است؛ به‌جز اینکه اندکی کوچك‌تر است و از نظر زیبایی و مخارج نیز به پای آنجا نمی‌رسد. در اینجا باید مؤکداً بگویم که همهٔ خانه‌های شاهی‌ای را که تا به حال دیده‌ام را مطابق یك الگو ساخته و آراسته‌اند.»

۶۹. ارنست هولتسر، ایران در ۱۱۳ سال پیش.

۷۰. این کتاب اخیراً به صورتی کامل‌تر با این مشخصات به چاپ رسیده است:
فریبا فرزام (و.)، *هزار جلوهٔ زندگی، تصویرهای ارنست هولتسر از عهد ناصری*، تهران، مرکز اسناد و مدارك میراث فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۲.ـــ و.

۷۱. پوپ معتقد است که پیش‌نمونهٔ چنین ساختمانهایی به دورهٔ باستان می‌رسد؛ مثلاً در سینی‌ای متعلق به دورهٔ ساسانی، نقش چنین بنایی حك شده است. نك:
Arthur Upham Pope, "A Sasanian Garden palace."

72. Eugenio Galdieri, "Two Building Phases of the Time of Shah Abbas I in the Maydane-i Shah of Isfahan."

73. MS Sloane 5234, fol. 9.

۷۴. نك: پلان باغ جهان‌نمای شیراز در: آریانپور، *پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران*، ص۲۲۵.

75. Ms Sloane 2910, fol.104v.

۷۶. نویسنده حجره‌های زاویه را «گوشواره» خوانده است؛ در حالی که گوشواره به معنای طاق کنج است، و «گوشوار» صرفاً بر حجره‌های زاویه در طبقهٔ بالا دلالت می‌کند.ـــ و.

77. C. Grey, ed., "The Travels of a Merchant in Persia."

۷۸. واژه گلدسته برای مناره‌های چندوجهی نیز به کار می‌رود.

۷۹. «پرواره» به معنای خانه‌ای است که بر بالای خانه‌ای دیگر ساخته باشند و اطراف آن باز باشد، یا تخته‌هایی که سقف‌خانه را بدان بپوشانند. ـــم.

80. MS Sloane 2910, fol. 106v.

۸۱. «خرگاه» یعنی کوشك خیمه‌ای.

82. "Ita dicti a ejus dommuncula intentoris formam structi."